

تبیین عوامل موثر بر شکل‌گیری پایگاه رأی نامزدها و نمایندگان در انتخابات مجلس شورای اسلامی (نمونه پژوهی: ادوار هفتم تا دهم انتخابات در حوزه انتخابیه ممسنی)

هادی اعظمی (دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

aazami@um.ac.ir

وحید صادقی (دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

vahidsadeghi86@yahoo.com

سید محمد حسین حسینی (دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران)

mh.hossein25@yahoo.com

چکیده

جغرافیای انتخابات به عنوان گرایشی از جغرافیای سیاسی به بررسی ابعاد فضایی انتخابات می‌پردازد. از جمله موارد مورد بررسی جغرافیای انتخابات مبحث پایگاه رأی نامزدهای انتخاباتی است. پایگاه آراء نامزدها و نمایندگان در هر حوزه انتخابیه‌ای تحت تأثیر ساختار اجتماعی، نوع نگرش و جهان‌بینی رأی‌دهندگان شکل می‌گیرد. در حوزه انتخابیه ممسنی به دلیل ساختار ایلی - عشیره‌ای، پایگاه آرای نامزدها و نمایندگان در درجه نخست متأثر از متغیر طایفه و زیستگاه جغرافیایی است. با وجود این، ضمن اینکه هر کدام از این بازیگران سیاسی به آرای خود در طایفه و زادگاه خود پشت گرم هستند، می‌کوشند در قلمرو هر طایفه، جریان‌سازی و نفوذ کنند که این امر منجر به فضا‌سازی و ساخت شبکه‌های اجتماعی می‌شود. این عمق‌ها و شبکه‌ها که به صورت «سامان‌یافته»، «تصادفی» و «ترکیبی» (پیوندی) هستند صرفاً محدود به قلمرو جغرافیایی زادگاه بازیگران انتخاباتی نیست، بلکه به واسطه شناسه‌هایی نظیر گرایش‌های زادگاهی - طایفه‌ای، پیوندهای قومی و خویشی (خویشاوندگرایی) با ساکنان طایفه دیگر، منافع اقتصادی و توسعه عمرانی در قلمرو رقیب، تعامل اجتماعی توده مردم با یکدیگر، آراء رقابتی یا بسیج نیروهای پُرشور، دیگر قلمروها را نیز شامل می‌شود که در نهایت به واسطه ابزارهای ساخت اجتماعی نظیر «فرهنگ»، «زبان» و «ارتباط»، پایگاه آراء نامزدها و نمایندگان را تقویت و متأثر می‌سازند. از این رو، این پرسش مطرح می‌شود که عوامل موثر بر پایگاه آراء نامزدها و نمایندگان در حوزه انتخابیه ممسنی کدامند؟ به نظر می‌رسد، ضمن پارادایم مسلط الگوی رأی زادگاهی و طایفه‌ای در حوزه انتخابیه ممسنی، وجود برخی مکان‌ها، فضاها و شبکه‌های اجتماعی در اشکال مختلف، نقش مکمل را در کنار پایگاه ثابت رأی (طایفه‌ای) نامزدها و نمایندگان ایفاء می‌کند. به عبارتی نتایج پژوهش

نشان داد، پایگاه آرای نامزدها و نمایندگان طوایف بکش، جاوید و رستم در حوزه انتخابیه ممسنی، طی ادوار هفتم، هشتم، نهم و دهم انتخابات در درجه نخست، متأثر از عوامل محیطی و هویتی نظیر هویت جغرافیایی و طایفه‌ای بوده است و در مرتبه بعد سازه‌هایی همچون شبکه‌های اجتماعی تصادفی، سامان‌یافته و ترکیبی که به وسیله ابزارهای ساخت اجتماعی (فرهنگی، زبانی و ارتباطی) شکل گرفته‌اند، پایگاه رأی این بازیگران انتخاباتی را تقویت و جهت داده است. روش تحقیق مقاله، ماهیتی توصیفی - تحلیلی دارد و داده‌های مورد نیاز به روش کتابخانه‌ای (اسنادی) و میدانی (مشاهده) گردآوری شده‌اند.

واژگان کلیدی: جغرافیای انتخابات، شبکه اجتماعی، ساخت اجتماعی، طایفه‌گرایی و حوزه انتخابیه ممسنی.

۱- مقدمه

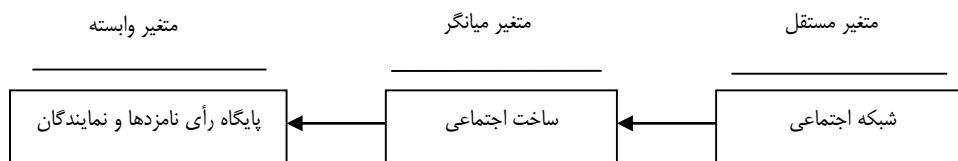
جغرافیای انتخابات به عنوان گرایشی از جغرافیای سیاسی به بررسی ابعاد فضایی انتخابات می‌پردازد. از جمله موارد مورد بررسی جغرافیای انتخابات مبحث پایگاه رأی نامزدهای انتخاباتی است. طیف عواملی که به لحاظ موقعیتی، فضایی و جغرافیایی نوع تصمیم‌گیری‌های انتخاباتی را تحت الشعاع قرار می‌دهند، بسیار گسترده‌اند (Zarghani & Razavinezad, 2013:114). یکی از عوامل موثر بر پایگاه رأی نامزدهای انتخاباتی پدیده طایفه‌محوری، زادگاه‌گرایی و مزیت محلی و بومی بودن کاندیداها است (Kaviani Rad, 2014:38). در این میان، حوزه انتخابیه ممسنی، به دلیل ساختار ایلیاتی و تکرر طایفه‌ای، از جمله فضاهای جغرافیایی است که پایگاه رأی بازیگران سیاسی در این حوزه سرشته از گرایش‌های محیطی و طایفه‌ای است، به طوری که بخش عمده‌ای از موفقیت و کامیابی نامزدهای انتخاباتی این حوزه مرهون گرایش‌های زادگاهی و خویشاوندی است. با این حال، به‌رغم تاثیرگذاری مسلط الگوی رأی طایفه‌ای بر گُش سیاسی رأی‌دهندگان ممسنی، پایگاه رأی نامزدها و نمایندگان در این حوزه انتخابیه تنها معطوف به طایفه و قلمرو زیستگاهی خود نیست، بلکه وجود فضاهای جغرافیایی که نقشی مکمل در پایگاه آراء و ماهیتی شکننده یا پایدار در قلمرو دیگر طوایف دارند نیز می‌تواند در پیروزی آنها نقش سرنوشت‌سازی ایفاء کند. از این رو، می‌توان از شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی در قلمرو هر طایفه سخن گفت که به صورت «تصادفی»، «سامان‌یافته» یا «ترکیبی» (پیوندی)، پایگاه آراء نامزدها و نمایندگان را تقویت و شکل می‌دهد. اساساً ایجاد این نوع شبکه‌ها متأثر از عوامل هویتی - مکانی و منفعتی است. به این معنا که در فضای جغرافیایی ممسنی، برخی از مناطق روستایی یا شهری مستقر در قلمرو یک طایفه، پیوند هویتی - خونی خود را در طول تاریخ

با هم‌تباران خویش در طایفه‌ای دیگر حفظ کرده‌اند. این بستگی‌ها در آشکال سببی و نسبی نه تنها به‌عنوان برگ برنده نمایندگان محسوب می‌شوند، بلکه تأثیر مهمی در از هم‌گسیختگی اجتماعی و سیاسی در قلمرو یک طایفه دارند، به‌گونه‌ای که ساکنان این قلمروها ناگزیر از صرف کارمایه فراوان برای کنترل و همراهی این مناطق با خود هستند. گرچه پشتیبانی این مناطق هویتی سامان‌یافته از طایفه خود دشوار است، لکن برخی دیگر از شبکه‌ها صرفاً به واسطه عوامل اقتصادی نظیر اقدامات عمرانی نمایندگان یا اقدامات انسان‌دوستانه توده مردم یک طایفه همچون کمک‌های مالی، ارسال کالا و مواد غذایی یا بسیج نیروهای پُرشور برای شعب اخذ رأی ساخته می‌شوند. این نوع شبکه معمولاً تصادفی و موقتی است و ممکن است طی ادوار بعدی انتخابات حمایت خود را از نامزدهای یک طایفه سلب کرده و به سوی نامزد طایفه‌ای دیگر سوق پیدا کنند یا در دامان طایفه خودی به ایفاء نقش پردازند. سرانجام، شبکه‌های ترکیبی به دلیل وجود ابزارهای سه‌گانه ساخت اجتماعی (زبانی، فرهنگی و ارتباطی) در کنار یکدیگر، پایگاه رأی نامزدها و نمایندگان را تقویت ساخته و در ادوار بعدی انتخابات نیز به احتمال زیاد پا برجا خواهند ماند. با این رهیافت، این پرسش مطرح می‌شود که عوامل موثر بر شکل‌گیری و تقویت پایگاه رأی نامزدها و نمایندگان در حوزه انتخابیه ممسنی کدام هستند؟

۲- نوآوری و روش تحقیق

تا به حال مطالعات و پژوهش‌های زیادی در مورد پایگاه رأی نامزدها و نمایندگان حوزه انتخابیه ممسنی صورت گرفته است، که نتایج این تحقیقات عمدتاً تأییدگر الگوی رأی متداول و پُرسامد زادگاهی و طایفه‌ای در این حوزه انتخابیه بوده است. اما این‌طور که داده‌ها و شواهد نشان می‌دهند پایگاه حمایتی رأی نامزدها و نمایندگان در حوزه انتخابیه ممسنی صرفاً تمام‌سطوح در فضاهای جغرافیایی که در حکم زیستگاه و زادگاه نامزدها و نمایندگان است تطبیق و متمرکز نیست، بلکه حوزه‌ها و قلمروهایی وجود دارد که نه تنها مکان زیستگاهی بازیگران سیاسی حوزه انتخابیه مذکور نبوده بلکه عملاً در فضای زیستی بازیگران رقیب واقع است که کشف و بررسی چنین مکان‌هایی که در حکم عقبه ژئوپلیتیک آن بازیگر زیستگاهی و طایفه‌ای شمرده می‌شود، هدف پژوهش کنونی بوده است. برای این منظور، نگارندگان از نظریه شبکه اجتماعی سود جستند. در حقیقت، حلقه مفقوده پایگاه رأی بازیگران انتخاباتی در حوزه انتخابیه ممسنی همین فضاها، عمق‌ها و شبکه‌های اجتماعی در قلمرو رقیب است که شاید نتوانند سرنوشت قطعی پیروز انتخابات را رقم بزنند، ولی پایگاه آرای نامزدها و نمایندگان را عملاً تقویت و

تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. بنیاد کشف شبکه‌ها نیز عوامل تاریخی، هویت و منافع بوده است. تقلیل و تطبیق چنین نظریاتی در سطوح فروملی، محلی و به خصوص در مورد فضاهای جغرافیایی که از تنوع قومی و طایفه‌ای خاصی برخوردار هستند، هنرمندی و خلاقیت لازم دارد. بنابراین، کاربست چنین نظریاتی در خصوص گروه‌های طایفه‌ای در حوزه انتخابیه ممسنی از نوآوری‌های جدید این مقاله محسوب می‌شود. پژوهش پیش‌رو که به لحاظ هدف، از نوع بنیادی و کاربردی و به لحاظ ماهیت و روش از نوع توصیفی - تحلیلی است به بررسی و پردازش رابطه سه متغیر نظریه «شبکه اجتماعی» به مثابه متغیر مستقل، «ساخت اجتماعی»، متغیر میانگر و «پایگاه رأی» به عنوان متغیر وابسته، پرداخته است. داده‌های مورد نیاز به روش کتابخانه‌ای، اسنادی و میدانی (مشاهده) تدوین شده است. مبنای تحلیل پژوهش، نظریه شبکه اجتماعی و داده‌های آماری و اطلاعات کمی (اسناد) که از سازمان مرتبط^۱ اخذ شده و به صورت جداول محقق ساخته درآمده‌اند. همچنین از آنجایی که پژوهش سرشت و رویکردی جغرافیایی دارد، از روش مشاهده‌برداری به عنوان یک روش معمول در پژوهش‌های علمی جغرافیایی در کنار سایر روش‌ها استفاده شده است.



نمودار ۱. متغیرهای تحقیق

Source: Authors

۳- شالوده‌ها، مفاهیم و نظریه‌ها

۳-۱- شبکه اجتماعی

نظریه شبکه اجتماعی^۲ اولین بار در سال ۱۹۴۰م در انسان‌شناسی توسط راد کلیف براون^۳ معرفی شد. رونالد بارت^۴ به‌عنوان پیش‌تاز نظریه شبکه، معتقد است که این نظریه منشاء اتمی و هنجاری دارد. در این نظریه روابط و مناسبات میان اجزاء و عناصر مختلف پدیده‌های اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد. نظریه

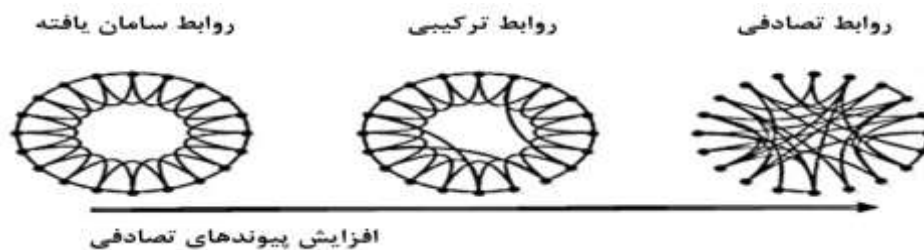
۱. وزارت کشور، استانداری فارس و فرمانداری شهرستان ممسنی.

2. Social Network Theory

3. Rad Cliff Brown

4. Ronald Bart

شبکه مدعی است که میان اجزاء مختلف جامعه چه در سطح خرد و چه در سطح کلان، شبکه‌های تعاملی وجود دارد. به هم پیوستن این شبکه‌های تعاملی و کارکردشان موجب حفظ و بقای آرگانیزم جامعه می‌شود (Fakhraie, 1994:140). پردازش شبکه‌های مجموعه‌ای از اقدامات تحلیلی است که شرح منظم نظام روابط متقابل و روابط میان واحدها را امکان‌پذیر می‌کند. در برخی از سطوح نظام روابط کلی متقابل را نشان می‌دهد، در سطوح دیگر توصیف نظام‌های فرعی را امکان‌پذیر می‌کند و در برخی سطوح نیز مقایسه گروه‌های فرعی موجود در سیستم را نشان می‌دهد (Abbasi et.al, 2015: 292). اصولاً شبکه‌ها در درون خود از بعد نوع روابط بین واحدهایشان یکسان نیستند. در این راستا سه نوع از الگوهای شبکه‌ای را می‌توان تشخیص داد: الگوی نخست، الگوی «تصادفی» است که نوعی از الگوی نامنظم از روابط را می‌توان تشخیص داد. الگوی دوم، «سامان‌یافته و منظم» است که ارتباطات ناشی از منافع و مقاصد آگاهانه واحدها است. سرانجام، الگوی «ترکیبی» است که شبکه هر دو گونه از روابط را در درون خود جای داده است (Ghasemi, 2012:185).



نمودار ۲. انواع شبکه اجتماعی و افزایش پیوندهای تصادفی (Source:(Ghasemi, 2012:186))

۳-۲- ساخت اجتماعی

ساخت و ساختارگرایی در مقام یک مکتب فکری، مورد توجه مردم‌شناسی بریتانیایی و فرانسوی بوده است (Moosavi, 2008:89). نظریه ساخت اجتماعی، شبکه‌ای از موقعیت‌ها و یا منزلت‌هایی است که مردم را در رابطه با یکدیگر قرار می‌دهد. «فرهنگ»، «زبان» و «ارتباط» عناصر بنیادی ساخت اجتماعی هستند که برای فهم‌کنش‌های اجتماعی، شناخت آنها و روابط میان‌شان ضروری است. نگرش ساختاری، افراد جامعه را به عنوان موجوداتی می‌نگرد که تحت‌تأثیر و نفوذ ساخت اجتماعی قرار دارد که خود آنها نیز جزئی از آن نیز به شمار می‌روند (Fakhraie, 1994:147). به طور کلی سه برداشت مختلف از ساخت

اجتماعی وجود دارد؛ «ساخت نهادی»، «ساخت رابطه‌ای» و «ساخت تجسیدی» (Hosseini Ghomi, 2016:158). در ساخت نهادی، ساخت اجتماعی دربرگیرنده‌ی الگوهای فرهنگی یا هنجاری به حساب می‌آیند که انتظاراتی را که عاملان از رفتار دیگران دارند، تعیین می‌کند و مناسبات پایدار میان آنان را سازمان می‌دهد. ساخت رابطه‌ای، دربرگیرنده‌ی خود روابط و مناسبات اجتماعی است و در حکم الگوی رابطه‌های متقابل و وابستگی متقابل میان عاملان و کنش‌هایشان و همچنین مقام یا جایگاهی که آنان در اختیار دارند، در نظر گرفته می‌شود (Lopez & Scott, 2006:13). ساخت تجسیدی بعد از ساخت اجتماعی موجود است که نشانه‌ها و علائم آن را می‌توان در جامعه‌شناسی بدن و به‌طور مشخص در کارهای گیدنز و بورديو دید. از این دیدگاه بدن و وجود جسمانی انسان به کانون آفرینش، بازآفرینی و دگرگونی ساخت اجتماعی تبدیل می‌شود (Moosavi, 2008:91).

جدول ۱. وجوه افتراق و اشتراک نظریه شبکه اجتماعی و ساخت اجتماعی

وجوه اشتراک	وجوه افتراق
اولین بار مورد توجه در علم انسان‌شناسی	جایگاه مهم‌تر نظریه شبکه اجتماعی نسبت به نظریه ساخت اجتماعی در نزد جامعه‌شناسان
مناسبات ساختاری حاکم بر روابط میان انسان‌ها به عنوان محور اساسی مورد مطالعه	مفاهیم نظریه شبکه، عینی است ولی مفاهیم نظریه ساخت اجتماعی، ذهنی
محافظه‌کار	قدمت بیشتر نظریه ساخت اجتماعی نسبت به نظریه شبکه اجتماعی
مخالفت با تقلیل‌گرایی روان‌شناختی	توجه ساخت اجتماعی به ساخت‌های کلان تثبیت شده و توجه نظریه شبکه اجتماعی به ساخت‌های در حال تزلزل

Source: (Fakhraie, 1994:149-151)

۳-۳- جغرافیای انتخابات

انتخابات^۱، کانون فرایند سیاسی (Heywood, 2016:320)، بنیادی‌ترین پایه مردم‌سالاری (Kaviani, 2017:83). قوی‌ترین راه تجلی پراکندگی جغرافیایی افکار سیاسی (Zarghani & Razavinejad, 2016:74). فرصتی برای تغییر و تحول گفتمان‌های سیاسی (Banihashmi, 2015:140)، روش معمول تغییر در هیأت حاکم و دست به دست شدن قدرت میان احزاب سیاسی (Basherie, 2003: 190)، و شیوه دموکراتیک‌گزینش نهادهای نمایندگی مردم و بنیاد مشروعیت ساختارهای مردم‌سالار به شمار می‌رود (Kaviani Rad, 2013: 29)، با این حال، نتیجه انتخابات به ندرت منعکس‌کننده دیدگاه

1. Election

خالص و منطقی رأی دهندگان است (Jones et.al, 2007: 252)، تبیین تئوری انتخابات با دو شیوه دموکراسی مستقیم و غیرمستقیم صورت می گیرد (Davaranah, 2006: 52). انتخابات یکی از مسائل مطرح در جغرافیای سیاسی است که تحت عنوان جغرافیای انتخابات^۱ مورد بررسی قرار می گیرد. هستی شناسی عینی پدیده رأی و توزیع فضایی آراء، این گرایش را در پیوند با رویکرد فضایی قرار داده، به گونه ای که درصد بالایی از آثار موجود در گستره جغرافیای انتخابات بر اساس چنین دیدگاهی نوشته شده اند (Mirahmadi & Kaviani Rad, 2017: 106). جغرافی دانان افزون بر مقوله «کیستی» افراد در فرایند انتخابات به مقوله «کجایی» زندگی و زیست فرد نیز اهمیت قائل هستند، به طوری که نقش مکان در فهم و تحلیل جستار مذکور مهم ارزیابی می شود و از آن به تحلیل تفاوت های فضایی می پردازند (Zarghani et.al, 2018: 9)، با این رهیافت می توان گفت، جغرافیای انتخابات، به تحلیل کنش متقابل فضا، مکان و فرایند انتخاباتی (pattie, 2006: 2) و مطالعه اثرگذاری تفاوت های فضایی در رفتار سیاسی می پردازد (Estes, 2005: 78). به عبارتی، جغرافیای انتخابات گرایشی از جغرافیای سیاسی است که به مطالعه الگوی توزیع فضایی قدرت در قالب روابط متقابل جغرافیا، انتخابات و قدرت می پردازد (Hafeznia & Kaviani rad, 2014: 263).

۳-۴- طایفه گرایی^۲

طایفه^۳، گروهی از انسان های خویشاوند با علایق، زبان، فرهنگ و ریشه تاریخی مشترک است که قلمرو فضایی مشخصی دارد. طایفه و طایفه گرایی^۴ از آن رو ماهیت و فلسفه ای جغرافیایی دارند که در درجه نخست پدیده ای مکان دار و فضایی را روی زمین به خود اختصاص داده اند. به عبارتی، معرف یک «عینیت جغرافیایی» یا «واقعیت مکانی- فضایی» و از موقعیتی مکانی و ساخت فضایی برخوردارند (Sadeghi, 2014: 17). طایفه گرایی، به عنوان یک عقیده و نگرش جغرافیایی و اجتماعی، نوعی روان شناسی محیطی با درون مایه های حس مکان، محلی گرایی و تاثیر همسایگی است که به پیوند درون گروهی از انسان های برخوردار از سنت های فرهنگی مشترک در یک قلمرو جغرافیایی مشخص تاکید

1. Electoral Geography

۲. تبیین نظری مبحث طایفه گرایی با کمک و راهنمایی دکتر محمدرضا حافظ نیا صورت گرفته است. که از ایشان تشکر

می شود.

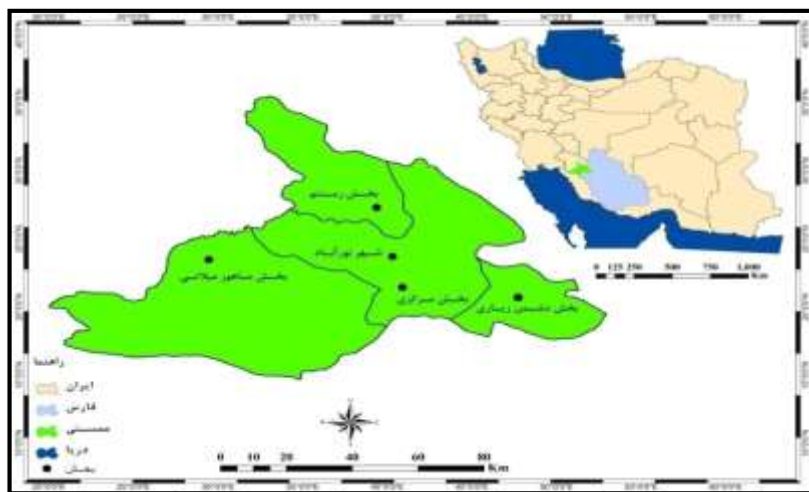
3. Tribe

4. Tribalism

می‌کند و نوعی احساس وفاداری نسبت به طایفه و تعلق مکانی — زیستگاهی را در ساکنان به وجود می‌آورد. طایفه‌گرایی، حاصل احساس مشترک افراد یک قلمرو در شاخصه‌های محیطی، هنجاری، خونی، دودمانی و طایفه‌ای است که باعث انسجام و پیوند اعضای یک سرزمین شده و آنها را برای رسیدن به یک هدف مشترک که همان طرفداری و رأی به فرد یا جریان هم‌زادگاهی و هم‌طایفه‌ای است، و می‌دارد. این گرایش و سازوکار تلاشی است برای ترجیح دادن هویت طایفه‌ای بر دیگر هویت‌ها که از طریق آن گروهی، گروه دیگر را تعریف و وحدت و انسجام درون طایفه‌ای را افزایش می‌دهد (Rumina & Sadeghi, 2015: 90). بر این اساس، طایفه‌گرایی، به عنوان گونه‌ای رفتار سیاسی در چارچوب نقش‌آفرینی محیطی، جغرافیایی‌ترین گنش سیاسی به شمار می‌رود. از آن رو مکان‌پایه است که به اثرگذاری متقابل «انسان و محیط» و در واقع این محیط جغرافیایی است که به نقش‌آفرینی سیاسی انسان جهت می‌دهد.

۴- قلمرو پژوهش

مَمَسَنی نام شهرستانی است در شمال غربی استان فارس که مرکز آن «نورآباد» است. این فضای جغرافیایی شامل دو گروه زبانی لری و ترکی قشقایی، با اختصاص ۶۸۰۱ کیلومتر مربع از مساحت استان، ۱۶۱۹۱۳ نفر جمعیت دارد که ۷۶۹۲۵ نفر در نقاط شهری و ۸۰۸۷۵ نفر در نقاط روستایی سکونت دارند و ۴۱۱۳ نفر هم غیرساکن هستند (Iran Statistics Center, 2016).



نقشه شماره ۱. موقعیت جغرافیایی شهرستان ممسنی

Source: (Sadeghi, 2014: 54)

در شرایط کنونی، ممسنی با یک حوزه انتخابیه (ممسنی) از چهار بخش مرکزی (بکش و جاوید)، رستم، دشمن‌زیاری و ماهور میلّتی تشکیل شده است. هر کدام از این قلمروها و فضاهای جغرافیایی، حوزه‌های زیستگاهی طایفه‌های موجود در ممسنی هستند، و از دیرباز در حکم زیستگاه و بستر حیات و فعالیت ساکنان طوایف بکش، رستم، جاوید، دشمن‌زیاری و ماهور میلّتی عمل می‌کنند، به طوری که مردم هر طایفه از جزئیات قلمرو خود آگاهی و شناخت دارند و از آن پاسداری می‌کنند. بنابراین از ویژگی‌های برجسته این مردم، وابستگی شدید آنها از مرز و بوم خودشان است.

در حوزه انتخابیه ممسنی، ساختار ایلی - عشیره‌ای بر قدرت اقتصادی و سیاسی هر یک از طوایف تأثیر مهمی داشته است. بر این بنیاد، هر یک از نامزدها و نمایندگان مُتَسَبِّب به این طوایف صرفاً به دنبال جذب آراء در قلمرو خود نیستند، بلکه شبکه‌های اجتماعی در قلمرو یکدیگر را نیز هدف قرار می‌دهند تا ضمن ایجاد تشویش در وضعیت آراء رقیب، پایگاه رأی خود را تقویت سازند. در این میان، نامزدها و نمایندگان سه طایفه جاوید، بکش و رستم به دلیل نقش‌آفرینی سیاسی در طول تاریخ، بهره‌مندی از نیروهای متعصب و پُرشور^۱، موقعیت مناسب جغرافیایی، توان اقتصادی و جمعیت زیاد توانسته‌اند بیش از سایر طوایف در کارزار انتخابات فعال و کُنش‌گر شوند. در واقع، اکتیویست‌های سیاسی این طوایف با استفاده از عوامل هویتی و منفعتی، از شبکه‌های سامان‌یافته، تصادفی و ترکیبی (پیوندی) برخوردار شده‌اند که در بازه زمانی انتخابات به واسطه ابزارهای ساخت اجتماعی نظیر زبان، فرهنگ و ارتباط فعال می‌شوند. این در حالی است که طوایف دشمن‌زیاری و ماهور میلّتی به دلیل جمعیت اندک و پراکنده و مهاجرت به دیگر فضاها و مکان‌ها (شیراز) و سرمایه‌گذاری اقتصادی و سیاسی در آنجا و بیلاق و قشلاق و زبان و فرهنگ متفاوت، فاقد شبکه اجتماعی و عملاً از نقش‌آفرینی ژئوپلیتیکی در خوری مستفید نیستند.

۵- یافته‌های پژوهش

۵-۱- الگوی شبکه اجتماعی، ساخت اجتماعی و پایگاه آراء نامزدها و نمایندگان طایفه بکش

نامزدهای طایفه بکش تنها به آرای ثابت و شناور قلمرو جغرافیایی خود متکی نیستند، بلکه تقویت پایگاه خود در فضاهایی که کسب آراءشان حوصله می‌خواهد برای آنها اولویت دارد. ایجاد شبکه اجتماعی توسط نمایندگان این طایفه را می‌توان مبتنی بر مؤلفه‌های هویتی، اقتصادی و سیاسی دانست، چراکه پایگاه

۱. این بازیگران رو در رو دم از دموکراسی می‌زنند ولی پشت سر سخن از گرفتن صندوق‌ها (فُرُق و فتح صندوق‌ها).

آراء نمایندگان طایفه بکش نمایانگر سامان‌یافتگی کامل تحرکات سیاسی آنان نیست، بلکه تصادفی بودن آراء آنها در برخی از مناطق جغرافیایی وابسته به سایر طوایف مشهود است. در این باره، می‌توان از برخی مناطق جغرافیایی سخن گفت که تنها در برخی از ادوار انتخابات به نامزدهای بکشی روی آورده‌اند و در ادوار دیگر، نامزدهای طایفه خود را برای ورود به مجلس آرجح دانسته‌اند. می‌توان به سکونتگاه‌هایی نظیر جُوزار بکش و پیراشکفت در قلمرو طایفه جاوید و پُشت‌کوه رُستم در قلمرو طایفه رستم اشاره کرد که طایفه بکش در آنها به شبکه‌سازی پرداخته و نامزدهای این طایفه آراء پُرورنی در آنجا اخذ کردند. سکونتگاه روستایی جوزار بکش، شبکه‌ای سامان‌یافته (پایدار) است که مبتنی بر علایق هویتی و دودمانی ساکنان این روستا گام بر می‌دارد. به عبارتی، جوزار بکش علی‌رغم قطع پیوند فضایی — مکانی با جغرافیای بکش و همجواری و همسایگی طولانی‌مدت با جوزار جاوید به‌طور خاص و ساکنان قلمرو جاوید له‌له به‌طور عام همچنان تعلق خاطر و گذشته مشترک خود را با طایفه بکش از یاد نبرده و به مراتب حفظ کرده است. از این رو، ابزار ساخت اجتماعی میان نمایندگان طایفه بکش و جوزار بکش از نوع فرهنگی و زبانی است، به‌طوری که، این روستا معمولاً در ادوار مختلف انتخابات اولویت نخست رأی خود را نامزدهای هم‌طایفه‌ای و هم‌زادگاهی خود (بکش) دانسته و نامزدهای دیگر طوایف، برای آنها اهمیت درجه چندم دارد. هرچند که علی احمدی نامزد طایفه جاوید به دلیل همجواری جغرافیایی جوزار جاوید و بکش از یکسو و برخی پیوندهای سببی میان طرفین در عصر جدید از سوی دیگر توانست در دور هفتم و هشتم به ترتیب ۳۶۴ و ۴۲۸ رأی در جوزار بکش به‌دست آورد، لکن آمار گویای این است که نامزدهای طایفه بکش نیز رأی قابل توجهی در این روستا داشته‌اند. دور هشتم، علی احمدی (جاویدی)، عبدالرضا مرادی (بکشی) و نوذر بناوی (رستمی) به ترتیب ۴۲۸، ۳۲۱ و ۵ رأی در جوزار بکش اخذ کردند. دور نهم، سعید قائدی (جاویدی)، نوذر شفیعی (بکشی) و مجید انصاری (رستمی) به ترتیب ۳۵۶، ۱۵۲ و ۱۱۶ رأی کسب کردند. مرحله اول دور دهم، نامزدهای طایفه جاوید یعنی فریدون زارع‌خفری و محمد محمودی هر کدام ۵، عبدالرضا مرادی، ۲۰۵، سیدجعفر هاشمی و سیدیداله حسینی از طایفه رستم به ترتیب ۱۴۷ و ۱۰۷ رأی در این روستا اخذ کردند. دومین مرحله انتخابات این دوره، عبدالرضا مرادی (طایفه بکش/تیره عمّله) و مسعود گودرزی (طایفه بکش/تیره بوان) به ترتیب ۳۷۳ و ۱۶۶ رأی کسب کردند. آراء مرادی در مرحله اول و دوم این معنا را دارد که ساکنان جوزار بکش ایشان را نامزد اصلی مُتسبب به طایفه بکش پنداشته و احساس قربت هویتی بیشتری با وی داشته‌اند. این مسئله نشان می‌دهد که جوزار بکش در چارچوب

شبکه سامان‌یافته این طایفه قرار دارد و آنها همواره بر بنیاد عرق تباری در گزینش نامزدها عمل می‌کنند. بنابراین، فضا‌سازی طایفه بکش در ماوراء مرزهای جغرافیایی طایفه جاوید امتداد یافته است؛ به‌نحوی که نامزدهای طایفه بکش قادر بوده‌اند از طریق ساکنان جوزار بکش در جوزار جاوید عقبه‌ای پیدا کنند و تا حدودی آراء آنها را نیز کسب نمایند. مصداق این امر اخذ ۳۰۷ رأی در مرحله اول دور دهم توسط عبدالرضا مرادی در روستای جوزار جاوید است. از سوی دیگر سکونتگاه روستایی پیراشکفت است که شامل ۱۳ روستا است. این زیستگاه جغرافیایی همچون جوزار بکش در تصرف ساکنان فهلیان بوده است، ولی به‌لحاظ دودمانی و هویتی به طایفه جاوید متّسب هستند و عرق تباری خاصی نسبت به این طایفه دارند. به همین دلیل ابزار ساخت اجتماعی طایفه بکش در منطقه پیراشکفت از نوع ارتباطی و رویکردی اقتصادی - عمرانی داشته است که بستر شبکه‌سازی تصادفی شده است. بر این پایه، وضعیت آراء در شعب اخذ رأی مستقر در ۱۳ روستای منطقه پیراشکفت نشانگر آن است که در ادوار هفتم، هشتم و نهم انتخابات، آنها بر بنیاد عواطف و وابستگی عشیره‌ای به نامزدهای جاویدی رأی داده‌اند؛ چراکه در دور هفتم، علی احمدی (جاویدی) توانست ۱۱۶۹ رأی اخذ نماید. دور هشتم نیز احمدی (جاوید) و مرادی (بکش) به ترتیب ۸۲۶ و ۱۵۶ رأی کسب کردند. دور نهم انتخابات نیز بیانگر این است که رأی‌دهندگان پیراشکفت عرق تباری را در انتخاب نامزدها مورد عنایت قرار داده‌اند، زیرا سعید قانندی (طایفه جاوید) و نوذر شفیع (طایفه بکش) به ترتیب ۷۲۸ و ۳۳۱ رأی به‌دست آوردند. با وجود این، دور دهم انتخابات مبین شبکه تصادفی (ناپایدار) طایفه بکش بر بنیاد مؤلفه‌های اقتصادی و عمرانی در این منطقه است، زیرا دوره بازگشت عبدالرضا مرادی (طایفه بکش) به‌عنوان ناجی عمرانی پیراشکفت محسوب می‌شد که از طریق تخصیص بودجه لازم به ساخت و ساز مدارس پرداخته و زیرسازی و هموارسازی راه‌های ارتباطی این منطقه صعب‌العبور را فراهم آورده بود. این امر منجر به اعطای لقب «شکارچی بودجه» از سوی بخشی از ساکنان ممسنی — به‌ویژه ساکنان طایفه بکش — به ایشان شده بود که به لحاظ ژئوپلیتیک روانشناسی اثر روانی خاصی بر افزایش میزان پایگاه آراء ایشان داشت. از این روی، در مرحله اول دهمین دور انتخابات، مرادی که در دور هشتم مغلوب عنصر هویت و تمایلات عشیره‌ای ساکنان پیراشکفت شده بود، توانست از میان ۱۲ نامزد شرکت‌کننده در این مرحله، با ۴۹۲ رأی (از مجموع ۱۱۸۳ رأی)، مقام نخست را در ۱۳ روستای

۱. عبدالرضا مرادی در یکی از سخنرانی‌های انتخاباتی خود در مرحله دوم انتخابات در بین ساکنان طایفه رستم به صراحت ادعان داشت: "شما با فرستادن مرادی به مجلس، شکارچی بودجه به مجلس می‌فرستید (Moradi, 2016)".

این منطقه تحصیل نماید. این در حالی است که طایفه جاوید و رستم به ترتیب ۲ و ۴ نامزد در کارزار انتخابات معرفی کرده بودند و به لحاظ هویتی و پایگاه خویشاوندی می‌توانستند رأی نخست را در این منطقه کسب نمایند. نکته دیگر اینکه نوذر شفیع نماینده وقت (از طایفه بکش) که میزان آراء نسبتاً خوبی در این منطقه کسب کرده بود، در دور دهم تنها موفق به اخذ ۹ رأی شد. این مسئله نشان می‌دهد که شبکه‌سازی طایفه بکش در پیراشکفت کاملاً تصادفی بوده و ساکنان این منطقه، از میان نامزدهای این طایفه، تنها شخصیت عبدالرضا مرادی را به دلیل انجام خدمات عمرانی در دوره نمایندگی‌اش برگزیده‌اند. به همین دلیل، نوع ساخت اجتماعی طایفه بکش در این منطقه نیز صرفاً ارتباطی و تعاملی بوده است نه هویتی و زبانی (سامان‌یافته).

در رابطه با مرحله دوم انتخابات این دوره نیز باید گفت، عبدالرضا مرادی (طایفه بکش/تیره عمّله) و مسعود گودرزی (طایفه بکش/تیره بوان) به ترتیب ۴۳۷ و ۴۶۶ رأی اخذ کردند. این مسئله بیانگر توازن آراء میان این نامزدها در مرحله دوم است، زیرا در شرایطی که گودرزی تنها ۱۰۶ رأی در مرحله اول انتخابات کسب کرده بود، در این مرحله میزان آراء ایشان به دلیل ائتلاف برخی از ساکنان پیراشکفت و آراء لجبازی آنها - که در مرحله نخست به نامزدهایی به غیر از گودرزی و مرادی تعلق گرفته بود - به‌طور چشمگیری افزایش یافت. افزون بر این، تحلیل منطقه‌شناسی و فضایی آراء نشان می‌دهد که پایگاه آراء گودرزی در مرحله دوم در جنوب منطقه پیراشکفت (۲۶۶ رأی) تقویت شده است؛ چراکه در مرحله اول تنها ۶۲ رأی اخذ کرده بود. این در حالی است که روستاهای شمالی این منطقه در مرحله اول و دوم (به ترتیب ۳۶۲ و ۳۱۷ رأی)، حمایت تمام‌عیاری از مرادی به‌عمل آورده‌اند، ولی روستاهای جنوبی رغبت کمتری نشان دادند و در مرحله اول و دوم به ترتیب ۱۳۰ و ۱۲۰ رأی به ایشان داده‌اند (Manasani Governorate, 2007-11-11). (15-16).

جدول ۲. شبکه اجتماعی، ساخت اجتماعی و پایگاه آراء نامزدها و نمایندگان طایفه بکش در قلمرو طایفه

جاوید

سکونتگاه	شبکه	ساخت اجتماعی	نامزدها و نمایندگان	ادوار	تعداد آراء (به ترتیب)
جوزار بکش	سامان‌یافته	زبانی و فرهنگی (هویتی)	عبدالرضا مرادی، نوذر شفیع، عبدالرضا مرادی	هشتم، نهم، دهم	۳۲۱، ۳۵۶، ۲۰۵ (مرحله اول) و ۳۷۳ (مرحله دوم)
پیراشکفت	تصادفی	ارتباطی (عمرانی)	عبدالرضا مرادی	دهم	۴۹۲

Source: Authors

نهایتاً، سکونتگاه پشت‌کوه رستم سازه فضایی جداگانه در انتهای قلمرو طایفه رستم است که به‌لحاظ اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی با مناطق مرکزی رستم تفاوت ماهوی دارد. این منطقه گرچه عرق تباری زیادی به رستمی‌ها دارد، ولی محرومیت اقتصادی، عمرانی و فقر توده مردم، آنها را در برخی از ادوار به‌سوی نامزدهای سایر طوایف سوق داده است. پشت‌کوه رستم هیچ‌گونه مرز جغرافیایی با قلمرو بکش ندارد، ولی این طایفه توانسته است به‌صورت تصادفی برای خود شبکه‌سازی و فضا‌سازی نماید. این شبکه کاملاً موقتی و برآمده از وزن سیاسی ضعیف نامزدهای طایفه رستم از یکسو و خدمات عمرانی برخی از نمایندگان طایفه بکش در این منطقه از سوی دیگر بوده است. بر این بنیاد، ابزار ساخت اجتماعی طایفه بکش در پشت‌کوه رستم از نوع تعاملی و ارتباطی بوده و نمی‌توان عمق استراتژیک برای این طایفه در این منطقه متصور شد؛ چراکه وضعیت آراء نامزدهای این طایفه نشان می‌دهد که پشت‌کوه رستم صرفاً در دور هشتم انتخابات به حمایت از عبدالرضا مرادی پرداخته و خدمات عمرانی ایشان به‌عنوان نماینده حوزه انتخابیه به این فضای جغرافیایی نتوانسته است به‌صورت کاملاً منسجم و نهادمند از سوی ساکنان این منطقه در دور دهم انتخابات و در چارچوب صندوق‌های اخذ رأی بازنمایی شود. در این راستا، ساکنان پشت‌کوه در مرحله اول انتخابات بر بنیاد انگاره‌های غیرمادی و هویتی، بیشترین میزان آراء را به مجید انصاری (نامزد طایفه رستم) دادند و در مرحله دوم نیز در بهترین شرایط ممکن تنها به توزیع نسبتاً متناسب آراء میان مسعود گودرزی (طایفه بکش/تیره بوان) و عبدالرضا مرادی (طایفه بکش/تیره عمّله) بسنده کردند و خدمات عمرانی مرادی به آنها در دوران نمایندگی‌اش را نادیده انگاشتند. آمار شعب اخذ رأی در دور هشتم نشانگر آن است که مرادی توانسته است در پشت‌کوه رستم در مقابل همتای سیاسی خود یعنی علی احمدی (نماینده وقت و منتسب به طایفه جاوید) و نوذر بناوی (طایفه رستم) توازن آراء خلق نماید و شالوده را برای پیروزی خود در این دوره از انتخابات فراهم سازد. این نامزدها به‌ترتیب ۲۲۸۶، ۱۴۸۱ و ۷۶۷ رأی به‌دست آوردند. این مسئله به‌وضوح شبکه‌سازی طایفه بکش در پشت‌کوه رستم را نشان می‌دهد که مرادی پس از پیروزی در انتخابات به‌منظور حفظ پایگاه آراء خود در این منطقه، فعالیت‌های عمرانی را از سر گرفت. با وجود این، دور نهم انتخابات نشان داد که شبکه اجتماعی طایفه بکش تصادفی بوده است؛ چراکه نوذر شفیعی (طایفه بکش) تنها ۳۲۳ رأی و مجید انصاری (طایفه رستم) ۵۹۴۹ رأی در این فضای جغرافیایی اخذ کردند. شایان ذکر است که برخی از تحلیل‌گران انتخابات، ردصلاحیت عبدالرضا مرادی در دور نهم را مؤلفه‌ای مهم در تضعیف فضا‌سازی طایفه بکش در پشت‌کوه رستم عنوان کردند و بر این

باورند که در دوران نمایندگی نوذر شفیعی نیز به دلیل ضعف حمایت اقتصادی و فعالیت‌های عمرانی ایشان در این گستره، شبکه‌سازی طایفه بکش رو به افول گذاشته است. ولی تأیید صلاحیت مجدد مرادی در دور دهم نشان داد که وزن مؤلفه هویت و عرق تباری نزد ساکنان پشت‌کوه رستم بیشتر از خدمات اقتصادی بوده است. از این رو، در مرحله اول دور دهم، مجید انصاری و عبدالرضا مرادی به ترتیب ۵۱۲۱ و ۵۰۱ رأی در این منطقه کسب کردند. در مرحله دوم نیز عبدالرضا مرادی تنها ۱۹۸۱ رأی به دست آورد، ولی مسعود گودرزی ۴۰۲۶ رأی اخذ کرد. آمار بیانگر این است که حتی در مرحله دوم نیز که پشت‌کوه رستم نامزدی مُتَسَبِّب به خود در بیکار انتخابات نداشت، عبدالرضا مرادی را شایسته ورود به مجلس ندانسته‌اند.

جدول ۳. شبکه اجتماعی، ساخت اجتماعی و پایگاه آراء نامزدها و نمایندگان طایفه بکش در قلمرو طایفه

رستم

سکونتگاه	شبکه	ساخت اجتماعی	نامزدها و نمایندگان	دوره	تعداد آراء
پُشت‌کوه رُستم	تصادفی	ارتباطی (عمرانی)	عبدالرضا مرادی	هشتم	۲۲۸۶

Source: Authors

یکی از سازه‌ها و استخوان‌های موثر و قوی بنیاد طایفه بکش، تیره بَوان است که در دور دهم توانست مجزا از طایفه خود (بکش) به شبکه‌سازی در قلمرو طوایفی نظیر جاوید و رستم بپردازد. ظرفیت و توان سازه اکولوژیک نوظهور بَوان از یکسو و مطالبات اقتصادی و سیاسی‌شان از اصحاب قدرت از سوی دیگر زمینه ساخت انگاره‌های مشترک در میان آنان مبنی بر مستقل شدن از طایفه خود (بکش) در عرصه سیاست شد. امروزه تیره بَوان را می‌توان از جمله مناطق راهبردی در جغرافیای سیاسی ممسنی تلقی کرد که نه تنها نفوذ سایر بازیگران انتخاباتی در آن به سادگی امکان‌پذیر نیست، بلکه در دور دهم انتخابات توانست شبکه اجتماعی خود را در دوردست‌ترین نقاط جغرافیایی ممسنی گسترش دهد. اگرچه این قلمرو گسترده و شبکه‌سازی در بیشتر فضاهای جغرافیایی تصادفی بوده لکن در نوع خود بی‌مانند بوده است. در رابطه با شبکه اجتماعی تیره بَوان در طایفه جاوید می‌توان به مکان‌هایی نظیر کَلگه شیراز، گوسنگان، تَنگه خاص و پُل‌مورد اشاره کرد. روستای کَلگه شیراز^۱ در عرصه سیاست بسیار فعال است و در ادوار مختلف انتخابات طرفداری تمام‌سطوحی از نامزدهای هم‌تباری خود کرده است. ایفاء این نقش در دور دهم، رسالتی

۱. بر بنیاد سامان سیاسی فضا، روستای کَلگه شیراز، قلمرو بکش است، چراکه در دهستان بکش یک واقع شده است، ولی به لحاظ هویتی، ساکنان این روستا، کیستی‌ای جاویدی دارند، چراکه متعلق به طایفه جاوید هستند.

تعیین‌کننده بوده است؛ چراکه تیره بوان از طریق حمایت‌های شخصیت مقبول این روستا (محمد رنجبر) توانست شبکه‌سازی توانمندی در طایفه جاوید ایجاد نماید. شایان ذکر است که چرخش طایفه جاوید به سمت بوان به‌واسطه شخصیت‌های متنفذ، واکنش شدید برخی از نامزدهای این طایفه (محمد محمودی) را به‌همراه داشت؛ چراکه خود را مستحق دریافت آرای این طایفه می‌دانستند. گلگاه شیراز در دور هفتم که رقابت علی احمدی (جاوید) و قدرت‌الله میرفردی (رستم) به اوج خود رسیده بود، از نامزد نخست که وابسته به طایفه خود بود، جانبداری خیره‌کننده‌ای کرد. بر این شالوده، هر یک از این نامزدها به‌ترتیب ۶۹۵ و ۵ رأی اخذ کردند، ولی سایر نامزدها ۰ رأی کسب نمودند. در این دوره، بسیاری از شعب اخذ رأی مستقر در حوزه انتخابیه ممسنی میزان زیادی از تعرفه‌ها را به فرمانداری عودت دادند، ولی ۷۰۰ برگ تعرفه تحویلی به گلگاه شیراز به‌طور کامل به صندوق ریخته شد. دور هشتم، علی احمدی (جاوید) و عبدالرضا مرادی (بکش) به‌ترتیب ۲۸۹ و ۲ رأی به‌دست آوردند. دور نهم، سعید قائدی (جاوید) و نوذر شفیعی (بکش) به‌ترتیب ۲۸۵ و ۱۵ رأی اخذ کردند. این رفتار انتخاباتی و پشتیبانی کامل از نامزدهای طایفه جاوید باعث شده است تا نویسندگان سطور حاضر، گلگاه شیراز را نماد «تمایلات عشیره‌ای و طایفه‌ای» بدانند. دور دهم انتخابات نیز به‌دلایلی نظیر تأخیر محمد محمودی در ورود به انتخابات در حوزه انتخابیه ممسنی، ضعف محبوبیت و مقبولیت فریدون زارع‌خفزی (طایفه جاوید) و همراهی محمد رنجبر با مسعود گودرزی (نامزد تیره بوان)، رأی‌دهندگان گلگاه شیراز به حمایت از نامزد اخیر پرداختند. در مرحله اول این دوره، مسعود گودرزی (طایفه بکش/تیره بوان)، محمد محمودی (طایفه جاوید) و عبدالرضا مرادی (طایفه بکش/تیره عمّله) به‌ترتیب ۲۶۰، ۱۶ و ۵ رأی اخذ کردند. در مرحله دوم نیز مسعود گودرزی و عبدالرضا مرادی به‌ترتیب ۳۲۷ و ۲ کسب کردند. آراء مذکور بیانگر کامیابی واثق تیره بوان در ایجاد شبکه در این روستا بوده است. با وجود این، رفتار انتخاباتی رأی‌دهندگان گلگاه شیراز طی ادوار هفتم تا نهم نمایانگر این است که آنها بر بنیاد عرق تباری و گرایش‌های زیستی و هویتی به انتخاب نامزد پرداخته‌اند. از این رو، میل آنها به نامزد تیره بوان تحت‌تأثیر شرایط انتخاباتی در این دوره بوده و شبکه‌سازی تیره بوان به‌صورت تصادفی شکل گرفته است. افزون بر این، پیوند هویتی و پایگاه خویشاوندی مشهود و قدرتمندی میان تیره بوان و گلگاه شیراز وجود ندارد و با توجه به جدیدالورود بودن مسعود گودرزی در دور دهم، اساساً مؤلفه خدمات عمرانی و حمایت‌های اقتصادی نیز از حیز انتفاع ساقط بوده است. از این جهت، نوع ساخت اجتماعی را می‌توان ارتباطی (تعاملی) دانست.

گوسنگان یکی دیگر از فضاهاى زیستی است که تیره بوان در مرحله اول و دوم انتخابات دور دهم موفق به ایجاد شبکه اجتماعى در آن شد. دور هفتم، على احمدى (جاويد) و قدرت‌الله ميرفردى (رستم) به‌ترتیب ۵۶۸ و ۱۲ رأی در این مکان اخذ کردند. دور هشتم، على احمدى (جاويد) و عبدالرضا مرادى (بکش) به‌ترتیب ۴۸۴ و ۶ رأی کسب نمودند. دور نهم، سعید قاندى (طايفه جاويد) و نوذر شفیعى (طايفه بکش) به‌ترتیب ۳۰۳ و ۴۵ رأی به‌دست آوردند. وضعیت آراء در گوسنگان، رغبت ژرف عشیره‌ای و طايفه‌ای این روستا است که احداث کانال توسط سایر طوایف در آن به آسانی میسر نیست. با وجود این، مرحله اول دور دهم، محمد محمودى (طايفه جاويد) و مسعود گودرزى (طايفه بکش/تیره بوان) به‌ترتیب ۱۷۸ و ۱۳۳ رأی در این روستا اخذ کردند. مرحله دوم نیز مسعود گودرزى و عبدالرضا مرادى به‌ترتیب ۳۳۳ و ۲۴ رأی کسب نمودند. این مسئله يعنى، مسعود گودرزى در مرحله اول انتخابات نیز توانسته در گوسنگان، شبکه بسازد و در مرحله دوم نیز موفق شده است آراء سایر نامزدها به‌ویژه محمد محمودى را جذب نماید. اساساً، على رغم شکل‌گیری پایگاه قدر آراء گودرزى در مرحله اول، نمى‌توان از شبکه سامان‌یافته تیره بوان در گوسنگان سخن گفت؛ چراکه طی ادوار هفتم تا دهم انتخابات، اولویت نخست این روستا، نامزدهای طايفه جاويد بوده است. همچنين، پشتیبانی بی‌مثال این روستا از مسعود گودرزى در مرحله دوم را بیشتر مى‌توان آمیخته از رویارویی و تخاصم کهنه طوایف جاويد و بکش دانست که به‌دلیل گسست سياسى بوان از بکش، به نامزد اخير روى آوردند. با این رهیافت، گونه ساخت اجتماعى در این روستا نیز ارتباطی (آراء لجبازى) بوده است.

سکونتگاه تنگه خاص از دیگر محدوده‌های فضایی جاويد است. دور نهم، على احمدى (جاويد) و قدرت‌الله ميرفردى (رستم) به‌ترتیب ۲۸۶ و ۱ رأی در این تیره اخذ کردند. دور هشتم، على احمدى (جاويد) و عبدالرضا مرادى (بکش) به‌ترتیب ۲۴۴ و ۴ رأی کسب کردند و سایر نامزدها موفق به اخذ ۱ رأی نیز نشدند. دور نهم، سعید قاندى (جاويد) و نوذر شفیعى (بکش) به‌ترتیب ۲۹۴ و ۴ رأی به‌دست آوردند. مرحله اول دور دهم نیز فریدون زارع‌خفرى که مُنتسب به طايفه جاويد بود، بیشترین میزان آراء را (۱۴۲ رأی) کسب کرد، ولی ۱۱ نامزد دیگر میزان رأی ناچیزی اخذ کردند. در مرحله دوم، عبدالرضا مرادى (طايفه بکش/تیره عمّله) و مسعود گودرزى (طايفه بکش/تیره بوان) به‌ترتیب ۸ و ۱۶۴ رأی در این محله کسب نمودند. پردازش پایگاه رأی نامزدها در منطقه تنگه‌خاص بیانگر این است که رأی‌دهندگان این تیره، سلوکى ایلی و طايفه‌ای دارند. این نوع کردار انتخاباتی مکانی، مرحله اول دور دهم نیز آشکار بوده است،

به‌طوری که به‌رغم عدم همراهی اکثریت مناطق طایفه جاوید با فریدون زارع‌خفری، رأی‌دهندگان این منطقه بر نامزد مُتسب به طایفه خود (با وجود اینکه زارع‌خفری مشهور و محبوب نبود) پافشاری کرده‌اند. از این‌رو، شبکه‌سازی تیره بوان در مرحله دوم را می‌توان کاملاً تصادفی و ناپایدار دانست؛ چراکه شناسه‌هایی نظیر پایگاه خویشاوندی، پیوند هویتی و فعالیت‌های اقتصادی در همگرایی تیره بوان و تنگه‌خاص نقش‌آفرینی نداشته‌اند. از دیگر سو، حضور نامزدهای طایفه بکش طی ادوار هفتم تا دهم در انتخابات نشان می‌دهد آنها در تنگه‌خاص آراء تک‌رقمی اخذ کرده‌اند و تحت هیچ شرایطی مورد استقبال ساکنان این منطقه قرار نگرفته‌اند. علی‌هذا، روحیات عشیره‌ای، تقابلی، تخصصی و ژئوپلیتیکی میان طوایف جاوید و بکش را می‌توان در شبکه‌سازی تیره بوان در این منطقه مؤثر دانست. از این‌رو، ساخت اجتماعی ارتباطی (آراء لجبازی) موضعیت پیدا می‌کند.

تحلیل آراء در روستای پُل‌مورد نشان می‌دهد که در دور هفتم، علی احمدی (جاوید) و قدرت‌الله میرفردی (رستم) به‌ترتیب ۶۸۶ و ۲ رأی اخذ کردند. دور هشتم، علی احمدی (جاوید) نماینده وقت و عبدالرضا مرادی (بکش) به‌ترتیب ۳۸۰ و ۷ کسب کردند. دور نهم، سعید قائدی (جاوید) و نوذر شفیعی (بکش) به‌ترتیب ۴۹۳ و ۷ رأی کسب نمودند. مرحله اول دور دهم، محمد محمودی (جاوید)، مسعود گودرزی (طایفه بکش/تیره بوان) و عبدالرضا مرادی (طایفه بکش/تیره عمّله) به‌ترتیب ۳۴۴، ۴۶ و ۱۱ رأی اخذ کردند. مرحله دوم، مسعود گودرزی و عبدالرضا مرادی به‌ترتیب ۴۱۳ و ۷۲ رأی به‌دست آوردند. وضعیت آراء در پُل‌مورد بیانگر این است که پیوندهای هویتی، وابستگی‌های عشیره‌ای و زادگاهی در گزینش نامزدها از تقدم برخوردار است. دور دهم نیز محمد محمودی علی‌رغم تأخیر در ورود به انتخابات در حوزه انتخابیه ممسنی، مورد استقبال ویژه‌ای در دهستان جوزار قرار گرفته است. از این‌رو، شبکه اجتماعی تیره بوان در پُل‌مورد را می‌توان تصادفی دانست؛ چراکه مسعود گودرزی در مرحله اول انتخابات مورد توجه ساکنان این روستا نبوده است و آنها در رویارویی با عبدالرضا مرادی به نامزد نخست روی آورده‌اند. نکته مهم وضعیت آراء محمد محمودی است. در شرایطی که تحلیل‌گران و توده بر این باور بودند که آراء مرحله اول محمد محمودی (مرحله اول) به‌دلیل اختلاف مواضع انتخاباتی با مسعود گودرزی به عبدالرضا مرادی (مرحله دوم) تعلق خواهد گرفت، ولی وضعیت آراء روستای پُل‌مورد در مرحله دوم خلاف این مسئله را تأیید کرد. اختلاف زیاد آراء میان این نامزدها در مرحله دوم مَهَر تأییدی بر این اظهار

است. علاوه بر این، ساخت اجتماعی صرفاً بر بنیاد ابزار ارتباطی (آراء لجبازی) تیره بوان با روستای پل مورد شکل گرفته است.

جدول ۴: شبکه اجتماعی، ساخت اجتماعی و پایگاه آراء نماینده تیره بوان در قلمرو طایفه جاوید

سکوئگاه	شبکه	ساخت اجتماعی	نماینده	دوره	تعداد آراء (مرحله اول و دوم)
کلاگه شیراز	تصادفی	ارتباطی (تعامل اجتماعی)	مسعود گودرزی	دهم	۳۲۷، ۲۶۰
گوسنگان	تصادفی	ارتباطی (آراء لجبازی)	مسعود گودرزی	دهم	۳۳۳، ۱۳۳
تنگه خاص	تصادفی	ارتباطی (آراء لجبازی)	مسعود گودرزی	دهم	۱۶۴ (مرحله دوم)
پل مورد	تصادفی	ارتباطی (آراء لجبازی)	مسعود گودرزی	دهم	۴۱۳ (مرحله دوم)

(Source: Authors)

در رابطه با ساخت شبکه اجتماعی تیره بوان در طایفه رستم می‌توان به مناطقی نظیر پشت‌کوه رستم و زبردو اشاره کرد. پشت‌کوه رستم که در مرحله اول انتخابات دور دهم، جانبداری قُرسی از مجید انصاری (طایفه رستم) کرده بود، در مرحله دوم انتخابات بیشترین آراء را به مسعود گودرزی دادند. از این روی، مسعود گودرزی (طایفه بکش/تیره بوان) و عبدالرضا مرادی (طایفه بکش/تیره عمّله) به ترتیب ۴۲۴۶ و ۱۸۰۷ رأی اخذ کردند. این در صورتی است که گودرزی در مرحله اول انتخابات تنها ۳۱۰ رأی کسب کرده بود. این مهم نشانگر این است که نمی‌توان شبکه پایداری برای سازه فضایی بوان متصور شد؛ چراکه این منطقه به دلیل عدم راه‌یابی نامزد مُتَسَبب به طایفه رستم، ناگزیر از انتخاب یکی از دو نامزد اخیر در مرحله دوم انتخابات بودند. نکته مهم این است که نمی‌توان پایگاه آراء مسعود گودرزی در پشت‌کوه رستم را روایتگر بازگشت طایفه بکش به این قلمرو دانست، بلکه آن را می‌توان به‌عنوان یک رویکرد و دیدگاه ضد بکش دانست؛ چراکه در میان ساکنان طایفه رستم نگرشی قویاً منفی نسبت به دوران ۸ ساله فرمانروایی طایفه بکش (دوران نمایندگی عبدالرضا مرادی و نوذر شفیعی) — که در عهد قدیم و دوران حاکمیت خوانین رقیب سستی و دیرینه طایفه رستم بوده است — شکل گرفته بود. از این رو، گرایش به عبدالرضا مرادی در مرحله دوم انتخابات (علی‌رغم انجام خدمات عمرانی فراوان در پشت‌کوه رستم) را گامی جهت افزایش دوران حاکمیت و تثبیت قدرت مطلق طایفه بکش بر پیکره ممسنی و رستم می‌پنداشتند. تحت این شرایط، حمایت از تیره بوان (مسعود گودرزی) که از طایفه بکش گُست پیدا کرده بودند را عاملی جهت توقف ریاست این طایفه قلمداد می‌کردند. همچنین، شایعات متشهر شده در مرحله اول مبنی بر راه‌یابی

مجید انصاری (طایفه رستم) به مرحله دوم انتخابات نیز در تضعیف پایگاه آراء عبدالرضا مرادی و تقویت آراء مسعود گودرزی در پشت‌کوه رستم مزید بر علت بوده است؛ چراکه حامیان مجید انصاری بر این باور بودند که مسعود گودرزی به دلیل اخذ ۲۶۳۶۱ رأی و کسب مقام نخست در مرحله اول، به‌طور قطعی به مرحله دوم نیز راه یافته است. این در حالی است که عبدالرضا مرادی و مجید انصاری به ترتیب ۲۲۳۹۵ و ۱۹۴۹۲ رأی در حوزه انتخابیه ممسنی اخذ کردند. بر این اساس، شبکه‌سازی بوان در پشت‌کوه رستم را می‌توان تصادفی و نوع ساخت اجتماعی را ارتباطی دانست.

سکونتگاه زيردو از ديگر فضاي جغرافيايي است که در مرحله دوم انتخابات دور دهم مورد توجه بوانی‌ها قرار گرفت. دور هشتم، علی احمدی (جاوید)، عبدالرضا مرادی (بکش) و نوذر بناوی (رستم) به ترتیب ۴۳۹، ۳۸۴ و ۱۳۳ رأی اخذ کردند. آمار بازگوکننده این است که طایفه رستم در دور هشتم از نامزد بانفوذی برخوردار نبوده و همین مسئله زمینه افزایش آراء نامزدهای طوایف بکش و جاوید شده است. مرحله اول دور دهم، بیشترین میزان آراء را نامزدهای طایفه رستم در منطقه زيردو اخذ کردند، به گونه‌ای که در روستای شیخی، سیدیدالله حسینی، مجید انصاری و سیدجعفر هاشمی به ترتیب ۲۳۲، ۱۲۶ و ۹۰ رأی کسب نمودند. این در صورتی است که مسعود گودرزی (طایفه بکش/تیره بوان) و عبدالرضا مرادی (طایفه بکش/تیره عمّله) به ترتیب ۱۲ و ۳۱ رأی به دست آوردند. در مرحله دوم انتخابات، دو نامزد اخیر که هیچ‌گونه اُنس عشیره‌ای به طایفه رستم نداشتند، به ترتیب ۷۲۵ و ۲۴۶ رأی اخذ کردند (Manasani Governorate, 2003-07-11-15-16). داده‌ها و دیده‌ها حکایت‌گر کاهش آراء عبدالرضا مرادی نسبت به دوره هشتم است. در مقابل میزان آراء مسعود گودرزی به‌طور قابل توجهی افزایش پیدا کرده است. مقایسه آراء مسعود گودرزی در مرحله اول و دوم انتخابات در منطقه زيردو دال بر این است که شبکه اجتماعی تیره بوان ناپایدار است؛ چراکه خویشی عشیره‌ای میان تیره بوان و منطقه زيردو وجود ندارد و با توجه به جدیدالورود بودن مسعود گودرزی در پیکار انتخابات، انجام خدمات عمرانی از سوی ایشان برای این منطقه قویاً بی‌معنا بوده است. از این‌رو، رأی‌آوری مسعود گودرزی در این محدوده جغرافیایی را می‌توان بیشتر ناشی از تقابل ساکنان زيردو — که متعلق به طایفه رستم هستند — با طایفه بکش (عبدالرضا مرادی) دانست تا عنایت عمیق و شدید آنها به تیره بوان. این مسئله خود گویای ارتباطی بودن (آراء لجبازی) ساخت اجتماعی است.

جدول ۵. شبکه اجتماعی، ساخت اجتماعی و پایگاه آراء نماینده تیره بوان در قلمرو طایفه رستم

سکونتگاه	شبکه	ساخت اجتماعی	نماینده	ادوار	تعداد آراء (مرحله اول و دوم)
پشت‌کوه رستم	تصادفی	ارتباطی (آراء لجبازی)	مسعود گودرزی	دهم	۴۲۴۶ (مرحله دوم)
زیردو	تصادفی	ارتباطی (آراء لجبازی)	مسعود گودرزی	دهم	۷۲۵ (مرحله دوم)

Source: Authors

۲-۵- الگوی شبکه اجتماعی، ساخت اجتماعی و پایگاه آراء نامزدها و نمایندگان طایفه جاوید

ساکنان طایفه جاوید که پس از فتح شولستان توسط الوار ممسنی (در اواخر دوره صفویه) در مناطق کوهستانی و سردسیری سُکنی گزیدند، در گذر زمان به دلیل تمرکز امکانات رفاهی در شهر نورآباد اقدام به مهاجرت کردند و ابتدا در اطراف این شهر و سپس در مرکز شهر مستقر شدند. این موضوع در بسط فضایی قلمرو جاوید به مرکز جغرافیایی ممسنی نقش بسزایی داشته و ضمن ادغام اجتماعی با اهالی طایفه بکش، منجر به تحکیم مواضع سیاسی و پایگاه اجتماعی موقعیت جغرافیایی آنها در اقصی نقاط شهر شده است. به رغم همزیستی مسالمت‌آمیز اجتماعی طوایف جاوید و بکش، آنها در عرصه سیاست و آرزم انتخابات به صفا‌آرایی عمیق در مقابل یکدیگر می‌پردازند و جهت احراز کرسی مجلس از نامزد هم‌طایفه‌ای خود طرفداری قاطع می‌کنند. در این چارچوب، جاویدی‌ها توانسته‌اند در برخی از مکان‌ها و حوزه‌های طایفه بکش، عمق جغرافیایی و شبکه‌هایی خلق کنند که از جمله آنها می‌توان به سکونتگاه‌های محلی نظیر دُوراهی، تُل کُوشک، قلعه‌کهنه، مُردآبی و میدان جهاد از تیره عمَله و محله‌های جابه و بَرَمک از تیره گُرای اشاره کرد. با وجود این، سازه فضایی جاوید در برخی از تیره‌های طایفه بکش نظیر عالیوند، بابرسالار و جونگان که در مناطق روستایی واقع شده‌اند، ناکام بوده است.

سکونتگاه دُوراهی نقطه پیوست فضایی تیره‌های بوان و عمَله به یکدیگر است و در عهد قدیم و زمان حاکمیت خوانین در قلمرو طایفه بکش قرار داشته است، ولی به دلیل تبدیل شهر نورآباد به مرکز شهرستان ممسنی، مورد عنایت ساکنان طایفه جاوید قرار گرفت و آنها به تدریج در آن سُکنی گزیدند. در شرایط کنونی اکثریت باشندگان دوراهی کیستی جاویدی دارند. این منطقه در عرصه سیاست نیز چابک و کُش‌گر است و در مبارزات انتخاباتی مورد توجه است. وضعیت آراء در این فضای زیستی گویای یاری‌گری تمام‌سطوح آنان از نامزدهای طایفه جاوید است. بر این شالوده، در دور هفتم، علی احمدی (جاویدی)، قدرت‌الله میرفردی (رستمی) و عبدالرضا مرادی (بکشی) به ترتیب ۲۷۹۹، ۲۴۸ و ۷۲ رأی اخذ کردند. دور

هشتم، علی احمدی و عبدالرضا مرادی به ترتیب ۱۷۸۲ و ۱۹۱ رأی کسب کردند. یادآوری این نکته مهم است که برخی از تحلیل‌گران از تأثیرگذاری تیره بوان در منطقه دوراهی و حمایت از عبدالرضا مرادی طی دور هشتم انتخابات سخن به میان می‌آورند، ولی وضعیت آراء در این دوره گویای تفوق قاطعانه میزان آراء علی احمدی (طایفه جاوید) نسبت به عبدالرضا مرادی (طایفه بکش) در این مکان بوده است. این مهم صرفاً کارآمدی نیروهای تیره بوان در ایجاد کمربند حفاظتی در جلوگیری از سرریز شدن نیروهای انسانی طایفه جاوید به مرکز شهر در این دوره از انتخابات را نشان می‌دهد. دور نهم، سعید قانلی (جاویدی) و نوذر شفیعی (بکشی) به ترتیب ۸۴۱ و ۳۰ رأی به دست آوردند. مرحله اول دور دهم، مسعود گودرزی (طایفه بکش/تیره بوان) که مورد هواداری طایفه جاوید بود، محمد محمودی (طایفه جاوید) و عبدالرضا مرادی (طایفه بکش/تیره عمّله) به ترتیب ۱۰۷۶، ۵۰۱ و ۲۰۶ رأی دشت کردند. در مرحله دوم این دوره نیز مسعود گودرزی و عبدالرضا مرادی به ترتیب ۱۵۳۳ و ۳۶۴ رأی اخذ کردند. باید اشاره داشت که علی‌رغم دفاع کامل سازه انسانی بوان از عبدالرضا مرادی در محله دوراهی (دور هشتم) آنها تنها موفق به اخذ ۱۹۱ رأی در این مکان شده بودند، ولی در مرحله اول و دوم دور دهم مسعود گودرزی (تیره بوان) میزان آراء شگرفی در این فضای جغرافیایی کسب کرده که خود گویای پشتیبانی ساکنان طایفه جاوید از ایشان بوده است. این مسئله مبین تعیین‌کنندگی طایفه جاوید در وضعیت آراء نامزدها در این منطقه است. در مجموع، میزان آراء بسیار زیاد نامزدهای طایفه جاوید در دوراهی و تکرار این وضعیت طی ادوار مختلف و گرایش محیطی و طایفه‌ای رأی‌دهندگان این منطقه در انتخاب نامزدها، نشان‌دهنده ایجاد شبکه ترکیبی توسط طایفه جاوید است. از نظر ساخت اجتماعی نیز مؤلفه‌های فرهنگی، زبانی و ارتباطی (تعامل اجتماعی) بسیار تأثیرگذار بوده‌اند.

سکونتگاه تل‌کوشک را می‌توان یکی از مناطق از دست رفته تیره عمّله دانست؛ چراکه با تغییر در ترکیب جمعیتی این محله و سکونت ساکنان طایفه جاوید در آن، موقعیت اجتماعی و سیاسی طایفه اخیر به‌طور قابل ملاحظه‌ای تقویت شده است. این محله زیستگاهی طی ادوار هفتم تا دهم انتخابات، هواخواهی پرصلابتی از نامزدهای طایفه جاوید به عمل آورده است، ولی نامزدهای طایفه بکش (تیره عمّله) آراء کم‌فروغی اخذ کرده‌اند. در دور هفتم و هشتم، علی احمدی نامزد جاویدی به ترتیب با ۵۰۴ و ۸۰۱ رأی، بیشترین میزان آراء را در این محله کسب کرد. دور نهم نیز سعید قانلی (جاویدی) ۴۹۰ رأی اخذ کرد. مرحله اول و دوم دور دهم، ساکنان این محله به مدد مسعود گودرزی (تیره بوان) آمدند و ایشان توانست

طی این فازها به ترتیب ۶۱۱ و ۵۲۱ رأی بیشترین میزان آراء را کسب نماید. با این رهیافت، شبکه اجتماعی قلمرو جاوید در محله تل کوشک را می‌توان بر پایه مسائل هویتی و تعامل اجتماعی ترکیبی قلمداد کرد. بر این شالوده، سه ابزار ساخت اجتماعی یعنی فرهنگ، زبان و ارتباطات نیز در این شبکه بسیار فعال ظاهر شده‌اند.

سکونتگاه قلعه‌کهنه نیز به دلایل متعددی در زمره شبکه قلمرو جاوید قرار گرفته است. دور هفتم، به دلیل نبود نامزدی پرشوکت در طایفه بکش، علی احمدی (جاویدی) بیشترین میزان آراء (۹۷۸ رأی) را اخذ کرد، ولی در دور هشتم به دلیل حضور مجدد عبدالرضا مرادی از یکسو و نارضایتی طایفه بکش از اقدامات کارگزاران طایفه جاوید در عزل و نصب افراد از سوی دیگر، علی احمدی تنها ۲۶۱ رأی کسب کرد. دور نهم، تحت شرایط و حاشیه‌های انتخابات که ردصلاحیت عبدالرضا مرادی (طایفه بکش/تیره عمّله) و مسعود گودرزی (طایفه بکش/تیره بوان) را به همراه داشت، توازن آراء میان نوذر شفیعی (طایفه بکش) و سعید قانلی (طایفه جاوید) برقرار شد و هر یک از آنها به ترتیب ۲۷۸ و ۲۳۵ رأی در این محله اخذ کردند. این مسئله بیان‌کننده شبکه‌سازی مجدد طایفه جاوید در محله قلعه‌کهنه بوده است. می‌توان گفت، افزایش خاستگاه آراء سعید قانلی در دور نهم برانگیخته از قضیه رد صلاحیت سایر نامزدها بوده است. از این رو، پیروان مسعود گودرزی و عبدالرضا مرادی در محله قلعه‌کهنه به یاری سعید قانلی شناختند تا از نوذر شفیعی زهر چشمی بگیرند (یافته‌های میدانی نگارندگان). از این حیث، می‌توان گفت که شبکه اجتماعی طایفه جاوید در این محله بیشتر برخاسته از شرایط حاکم بر هر دوره و شرایط نامساعد نامزدهای طایفه بکش بوده است و باید آن را تصادفی و ناپایدار و نوع ساخت اجتماعی را صرفاً ارتباطی (تعامل اجتماعی) قلمداد کرد. سکونتگاه محلی مُوردآبی و جهاد که در امتداد فضایی یکدیگر قرار گرفته‌اند، به لحاظ جغرافیایی در قلمرو طایفه بکش/تیره عمّله قرار دارند، ولی از نظر ترکیب اجتماعی و انسانی مُتشکل از طوایف مختلف به‌ویژه بکش و جاوید هستند. این زیستگاه از جمله مناطق سرسخت و خشونت‌آمیز انتخابات به‌شمار می‌رود که هر یک از طوایف به‌دنبال تسلط خود بر شعب اخذ رأی و قُرُق صندوق‌ها هستند (یافته‌های میدانی). این قضیه در دور نهم انتخابات منجر به جان باختن یکی از ساکنان در این محله شد (شناسنامه سیاسی — امنیتی فرمانداری ممسنی، ۱۳۹۰: ۵۵). نامزدهای طایفه جاوید طی ادوار مختلف انتخابات رأی قابل توجهی در این محله کسب کرده‌اند. در دور هفتم علی احمدی (جاوید) و عبدالرضا مرادی (بکش) به ترتیب ۱۲۵۳ و ۱۲۴ رأی اخذ کردند. دور هشتم، همین نامزدها به ترتیب ۲۹۴ و ۱۳۳۹

کسب کردند. دور نهم، سعید قانلی (طایفه جاوید) و نوذر شفیعی (طایفه بکش) به ترتیب ۲۳۴ و ۱۰۹۳ رأی به‌دست آوردند. آمار بیانگر نوسان در میزان آراء نامزدهای مُتسبب به این طوایف است که خود نشان‌دهنده ایجاد شبکه توسط طایفه جاوید در این محله است. مرحله اول دور دهم که طایفه جاوید به حمایت از مسعود گودرزی (تیره بوان) پرداخت، وی توانست ۲۹۳ رأی اخذ نماید. در مرحله دوم انتخابات نیز مسعود گودرزی (طایفه بکش/تیره بوان) و عبدالرضا مرادی (طایفه بکش/تیره عمّله) به ترتیب ۶۴۷ و ۸۲۴ رأی کسب کردند. بر این پایه، می‌توان گفت که فضا سازی جاویدی‌ها در این محله به‌صورت ترکیبی است، زیرا بر بنیاد سکونت آنها در این محله شکل گرفته که عرق تباری و گوهری نسبت به نامزدهای وابسته به خود را به همراه داشته است. از این روی، نوع ساخت اجتماعی را می‌توان فرهنگی و زبانی دانست و به دلیل تعامل اجتماعی ساکنان جاوید با یکدیگر و دیگر افراد این محله، ابزار ارتباطات را نیز به آن افزود. مکان‌های جابه و برمک که در ضلع شمال غربی شهر نورآباد و دامنه‌های کوه بلند قامت و استوار شاه‌نشین واقع شده‌اند، در قلمرو جغرافیایی تیره گرابی قرار دارند. با وجود این، طی سالیان گذشته مهاجرت ساکنان طایفه جاوید به‌ویژه تیره غوری از رودشیر علیا به این محله‌ها افزایش یافت. گرچه این مهاجرت، بستر آفریدن شبکه اجتماعی توسط طایفه جاوید در این محله‌ها شده، لیکن عملاً بخشی از پیکره این طایفه (قسمتی از رودشیر) از آن مُنفک شده است. پردازش وضعیت آراء در محله جابه و برمک بیانگر این است که در دور هفتم، علی احمدی (جاوید)، قدرت‌الله میرفردی (رستم) و عبدالرضا مرادی (بکش) به ترتیب ۶۲۱، ۳۵۶ و ۱۲۷ رأی اخذ کردند. دور هشتم، علی احمدی (جاوید) و عبدالرضا مرادی (بکش) در محله برمک به ترتیب ۲۰۸ و ۱۵۶ رأی و در محله جابه به ترتیب ۱۹۴ و ۳۰۱ رأی کسب کردند. دور نهم، سعید قانلی (جاوید) و نوذر شفیعی (رستم) در محله برمک به ترتیب ۴۱۸ و ۲۹۱ رأی و در محله جابه به ترتیب ۵۲۳ و ۹۹۵ رأی به‌دست آوردند. مرحله اول دور دهم، فریدون زارع‌خفزی (جاوید) و عبدالرضا مرادی (بکش) در محله برمک به ترتیب ۴۸۶ و ۴۸۶ آراء مساوی اخذ کردند. این نامزدها در محله جابه به ترتیب ۱۷۰ و ۲۹۳ رأی کسب کردند. در مرحله دوم انتخابات، مسعود گودرزی (طایفه بکش/تیره بوان) که از حمایت طایفه جاوید برخوردار بود و عبدالرضا مرادی (بکش) در محله برمک به ترتیب ۴۸۴ و ۵۶۳ رأی اخذ کردند. همچنین، این نامزدها در محله جابه به ترتیب ۴۹۸ و ۵۲۲ رأی اخذ کردند. در مجموع، آمار بیانگر توازن یا فاصله اندک نامزدهای طایفه جاوید با طایفه بکش در محله‌های جابه و برمک است که طی ادوار هفتم تا دهم انتخابات تکرار شده است. از این رو، می‌توان شبکه اجتماعی طایفه جاوید

در این مکان‌های زیستی را ترکیبی دانست که منبعت از مهاجرت ساکنان جاوید از نقاط صفر مرزی (نظیر رودشیر) و تعامل اجتماعی با ساکنان اولیه این محله در گذر زمان بوده است. از نظر ساخت اجتماعی نیز می‌توان از ابزارهای فرهنگی، زبانی و ارتباطی سخن به میان آورد.

جدول ۶. شبکه اجتماعی، ساخت اجتماعی و پایگاه آراء نامزدها و نمایندگان طایفه جاوید در قلمرو طایفه

بکش

سکونتگاه	شبکه	ساخت اجتماعی	نامزدها و نمایندگان	ادوار	تعداد آراء (به ترتیب)
دوراهی	ترکیبی	زبانی، فرهنگی، ارتباطی	علی احمدی، علی احمدی، سعید قائدی، محمد محمودی	هفتم، هشتم، نهم، دهم	۱۷۸۲، ۲۷۹۹، ۸۴۱، ۵۰۱
تل کوشک	ترکیبی	زبانی، فرهنگی، ارتباطی	علی احمدی، علی احمدی، سعید قائدی	هفتم، هشتم، نهم	۴۹۰، ۸۰۱، ۵۰۴
قلعه کهنه	تصادفی	ارتباطی (تعامل اجتماعی)	علی احمدی، سعید قائدی	هفتم، نهم	۲۳۵، ۹۷۸
موردآبی و میدان جهاد	ترکیبی	زبانی، فرهنگی، ارتباطی	علی احمدی	هفتم	۱۲۵۳
جابه	ترکیبی	زبانی، فرهنگی، ارتباطی	علی احمدی، علی احمدی، سعید قائدی، فریدون زارع-خفّری	هفتم، هشتم، نهم، دهم	۵۲۳، ۱۹۴، ۲۲۱، ۱۷۰
برمک	ترکیبی	زبانی، فرهنگی، ارتباطی	علی احمدی، علی احمدی، سعید قائدی، فریدون زارع-خفّری	هفتم، هشتم، نهم، دهم	۴۱۸، ۲۰۸، ۲۲۱، ۴۸۶

Source: Authors

در رابطه با شبکه اجتماعی طایفه جاوید در قلمرو رستم می‌توان گفت که این طایفه تنها در دور هشتم موفق به شبکه‌سازی شده است؛ چراکه نامزد قدرتمندی از سوی طایفه رستم در نبرد انتخاباتی وجود نداشت. از این رو، علی احمدی (جاوید) موفق به اخذ ۸۳۳۲ رأی در قلمرو رستم شد و توانست بیشترین میزان آراء را در روستاهایی نظیر زیردو (۴۳۹ رأی)، حبیب‌آباد (۲۴۶ رأی)، دشتک (۴۳۳ رأی) و باباگوری (۳۳۱ رأی) کسب نماید. ولی ساخت فضای دوقطبی میان علی احمدی (جاوید) و قدرت‌الله میرفردی (رستم) در دور هفتم، حضور مجید انصاری (رستم) در دور نهم، حضور مجدد مجید انصاری به همراه سیدیدالله حسینی و سید جعفر هاشمی در دور دهم که هر سه نامزد، کیستی رستمی داشتند، در تضعیف و ناپایداری پایگاه آراء نامزدهای طایفه جاوید در قلمرو جغرافیایی رستم مؤثر بوده‌اند. در تأیید این گفته به

مرحله اول دور دهم اشاره می‌شود که محمد محمودی و فریدون زارع‌خفری نامزدهای وابسته به طایفه جاوید به ترتیب ۴۱ و ۷ رأی در بخش مرکزی رستم و ۱۰ و ۶ رأی در بخش سورنای رستم اخذ کردند (Manasani Governorate, 2003-07-11-15-16). این مسئله توضیح‌دهنده عدم وجود شبکه اجتماعی طایفه جاوید در قلمرو طایفه رستم طی این ادوار بوده است. به همین دلیل نمی‌توان هیچ یک از ابزارهای ساخت اجتماعی را برای آن متصور بود. شایان دقت است که ابزار ساخت اجتماعی در دور هشتم (علی احمدی) نیز ارتباطی (تعامل اجتماعی، خدمات عمرانی، کمک‌های مالی و غیره) بوده است.

جدول ۷. شبکه اجتماعی، ساخت اجتماعی و پایگاه آراء نامزدها و نمایندگان طایفه جاوید در قلمرو طایفه

رستم

سکوئنگاه	شبکه	ساخت اجتماعی	نامزدها و نمایندگان	دوره	تعداد آراء
برخی از مناطق طایفه رستم	تصادفی	ارتباطی (تعامل اجتماعی، خدمات عمرانی، کمک‌های مالی و غیره)	علی احمدی	هشتم	۸۳۳۲

Source: Authors

۳-۵- الگوی شبکه اجتماعی، ساخت اجتماعی و پایگاه آراء نامزدها و نمایندگان طایفه رستم

طایفه رستم به رغم جمعیت کثیر خود تاکنون توانسته دو دوره (چهارم و پنجم) کرسی نمایندگی مجلس را تحصیل کند. هرچند شکاف‌های فضایی — سیاسی عمیق درون تیره‌های وابسته به این طایفه در پیکار انتخابات وجود دارد، لکن آنها در قلمرو سایر طوایف از شبکه اجتماعی برخوردارند. این طایفه توانسته در قلمرو جغرافیایی طایفه بکش نظیر محله مُردآبی، استادیوم و تُل نورآباد، شبکه و عمق ایجاد نماید. دور هفتم، طایفه رستم توانست آراء قابل توجهی (۲۵۷۰ رأی) در حوزه‌های بکش نشین بخش مرکزی اخذ نماید که قوی‌ترین انگیزه آن ردصلاحیت سید ابراهیم امینی (طایفه بکش) و طرفداری ایشان (به عنوان چهره‌ای مقبول و مرجع) از قدرت‌الله میرفردی (رستم) از یکسو و ناشناخته و کم‌آوازه بودن عبدالرضا مرادی در میان ساکنان طایفه خود (بکش) از سوی دیگر بود. با وجود این، طی ادوار هفتم تا دهم انتخابات، شبکه‌سازی طایفه رستم محدود به محله‌های مذکور بوده است.

محله مُردآبی که در شمال شهر نورآباد واقع شده است، به لحاظ جغرافیایی در قلمرو طایفه بکش قرار دارد، ولی ترکیب عشیره‌ای ناهمگنی داشته و سازه‌های انسانی متعددی در آن سکنی گزیده‌اند که ساکنان طایفه رستم نیز از این قضیه مستثنی نیستند. دور هفتم، قدرت‌الله میرفردی نامزد مُتسبب به این

طایفه توانست در رقابت با علی احمدی (طایفه جاوید) ۳۱۸ رأی اخذ نماید. دور هشتم، نوذر بناوی که از قدرت چندانی در کارزار انتخابات برخوردار نبود، تنها ۲۳ رأی در این محله اخذ کرد. با وجود این، در دور نهم، مجید انصاری موفق به کسب ۱۳۸ رأی شد. در دور دهم، مجید انصاری، سیدیدالله حسینی و سید جعفر هاشمی که هر سه نامزد کیستی‌ای رستمی داشتند توانستند به ترتیب ۳۲۶، ۶۲ و ۹۶ رأی در این محله اخذ نمایند. آمار مبین این است که نامزدهای رستمی توانسته‌اند طی ادوار مختلف انتخابات میزان آراء قابل توجهی در محله مُردآبی کسب نمایند. با توجه به سکونت برخی از ساکنان رستمی‌ها در این فضای جغرافیایی و تعامل اجتماعی با دیگران، شبکه اجتماعی این طایفه را می‌توان برآمده از مسائل هویتی و منفعتی قلمداد کرد، که به‌صورت ترکیبی استمرار یافته است. نوع ساخت اجتماعی در این مکان را نیز می‌توان فرهنگی، زبانی و ارتباطی دانست.

محله استادیوم از دیگر فضاهای جغرافیایی است که به لحاظ موقعیتی در شمال غرب شهر نورآباد و مجاور تیره گُرابی (طایفه بکش) واقع شده است. ساکنان طایفه رستم در این محله حضور اجتماعی و سیاسی پرشوری دارند. دور هفتم، علی احمدی (جاوید) و قدرت‌الله میرفردی (رستم) به ترتیب ۳۶۶ و ۱۸۸ رأی در این محله (شعبه مستقر در مدرسه غیرانتفاعی فارابی) اخذ کردند. دور هشتم، نوذر بناوی نامزد نگون‌بخت این دوره در این محله تنها ۹ رأی اخذ کرد. دور نهم، مجید انصاری توانست تا حدودی وضعیت طایفه رستم را در محله استادیوم بهبود بخشد و در رقابت با نوذر شفیعی (بکش) و سعید قائدی (جاوید) رقبای قدرتمند این دوره ۹۰ رأی کسب نماید. شایان ذکر است که دو نامزد نخست به ترتیب ۱۹۵ و ۲۳۴ رأی اخذ کردند. دور دهم، نامزدهای طایفه رستم یعنی مجید انصاری، سیدجعفر هاشمی و سید یدالله حسینی به ترتیب ۱۱۲، ۵۱ و ۳۳ رأی (شعبه اخذ رأی در دبیرستان سما) به‌دست آوردند. عبدالرضا مرادی (طایفه بکش/تیره عمَله)، مسعود گودرزی (طایفه بکش/تیره بَوان) و فریدون زارع‌خفری (طایفه جاوید) به ترتیب ۱۳۸، ۱۵۸ و ۱۰۴ رأی کسب کردند. وضعیت آراء طی ادوار مختلف حکایت‌گر این است که نامزدهای رستم میزان آراء نسبتاً ثابت و پایداری در این محله دارند که نشأت گرفته از علایق خویشاوندی و عرق تباری ساکنان رستم مقیم در محله استادیوم نسبت به نامزدهای طایفه خود دارد. همچنین نوع ساخت اجتماعی در این محله به صورت فرهنگی و زبانی است.

تُل نورآباد نیز از دیگر نواحی زیستی است که در حاشیه شمال غربی شهر و مجاورت محله استادیوم واقع شده است. این مکان تا قبل از سقوط خوانین در قلمرو طایفه بکش قرار داشته است، ولی با سقوط

خوانین و تبدیل شهر نورآباد به مرکز ممسنی، تنوع و ترکیب طایفه‌ای در آن نمودار است. بسیاری از ساکنان طایفه رستم نیز در این منطقه سکنی گزیده‌اند، به طوری که ستاد انتخاباتی نامزدهای منتسب به این طایفه نیز در محدوده جغرافیایی این مکان برپا می‌شود. این طایفه توانسته است طی ادوار نهم و دهم در این منطقه، شبکه ایجاد نماید. دور نهم، مجید انصاری (رستم)، نوذر شفیعی (بکش) و سعید قائدی (جاوید) به ترتیب ۱۰۱، ۱۶ و ۳۳۲ رأی به دست آوردند. دور دهم نیز مجید انصاری، سیدجعفر هاشمی و سید یدالله حسینی نامزدهای وابسته به طایفه رستم به ترتیب ۱۷۹، ۸۶ و ۵۷ رأی اخذ کردند (Manasani, 2003-07-11-15). این مسئله نمایانگر شبکه پایدار طایفه رستم و تضعیف پایگاه آراء نامزدهای طایفه بکش در تُل نورآباد است. از نظر ساخت اجتماعی نیز می‌توان به عوامل فرهنگی و زبانی اشاره کرد.

جدول ۸ شبکه اجتماعی، ساخت اجتماعی و پایگاه آراء نامزدها و نمایندگان طایفه رستم در قلمرو طایفه

بکش

سکونتگاه	شبکه	ساخت اجتماعی	نامزدها و نمایندگان	ادوار	تعداد آراء (به ترتیب)
موردابی	ترکیبی	زبانی، فرهنگی، ارتباطی	قدرت‌الله میرفردی، مجید انصاری، مجید انصاری	هفتم، نهم، دهم	۳۳۶، ۱۳۸، ۳۱۸
استادیوم	سامان‌یافته	زبانی و فرهنگی (هویتی)	قدرت‌الله میرفردی، مجید انصاری، مجید انصاری	هفتم، نهم، دهم	۱۱۲، ۹۰، ۱۸۸
تُل نورآباد	سامان‌یافته	زبانی و فرهنگی (هویتی)	مجید انصاری، مجید انصاری	نهم، دهم	۱۷۹، ۱۰۱

Source: Authors

در رابطه با شبکه اجتماعی طایفه رستم در قلمرو جغرافیایی طایفه جاوید باید گفت، این طایفه توانسته است در روستاهایی نظیر پیراشکفت، خرنگان و رَجالو، باجگاه (قلعه‌بجی یا بکش دودانگه)، شبکه خلق کند. در رابطه با منطقه پیراشکفت باید گفت که سادات فهلیان و برخی از ساکنان طایفه رستم با این منطقه پیوند نسبی دارند. در این مورد می‌توان به برخی از روستاهای منطقه پیراشکفت نظیر دین‌باغان، نوشک، پَسکی، ده‌چیر و قلعه‌سفید اشاره کرد که متعلق به تیره رئیس هستند. این تیره به لحاظ مکانی در استان کهگیلویه و بویراحمد و سپیدان پراکنده هستند که با طایفه رستم نیز قرابت فضایی و هویتی دارند. این مسئله منجر به توان‌بخشی پایگاه آراء نامزدهای طایفه رستم در این منطقه شده است. با وجود این، نامزدهای طایفه رستم تنها در دور دهم، موفق به اخذ میزان آراء قابل توجهی در پیراشکفت شده‌اند. در این

دوره، نامزدهای منتسب به طایفه رستم یعنی سیدجعفر هاشمی، مجید انصاری و سید یدالله حسینی به ترتیب ۱۶۷، ۱۸۴ و ۱۶۲ رأی کسب کردند. این در صورتی است که در دور هفتم، علی احمدی (جاوید)، سیدجعفر هاشمی (رستم)، قدرت‌الله میرفردی (رستم) به ترتیب ۱۳۵۵، ۵۴ و ۸ رأی اخذ کردند. دور هشتم، نوذر بناوی حتی ۱ رأی نیز در این منطقه کسب نکرد. دور نهم نیز مجید انصاری تنها ۹۵ رأی کسب کرد. آمار بیانگر این است که طایفه رستم به‌رغم پیوند هویتی با برخی از ساکنان پیراشکفت نتواسته است طی ادوار هفتم تا نهم در این منطقه، شبکه ایجاد نماید. از دیگر سو، پایگاه آراء نامزدهای طایفه رستم در دور دهم بیانگر نقش پیوندهای نسبی در اخذ این میزان آراء است. حلقه مفقوده تناقض مذکور به وضعیت نامزدهای طایفه جاوید در کارزار انتخابات مربوط می‌شود. بدین معنا که طایفه جاوید طی ادوار هفتم و هشتم (علی احمدی) و نهم (سعید فاندی) نامزدهای شکوهمندی در انتخابات معرفی کرده بودند. از این رو، اکثریت ساکنان پیراشکفت به نامزدهای طایفه خود (جاوید) علاقه پیدا کرده‌اند، ولی در دور دهم که طایفه جاوید نامزد فرهمندی نداشته است، برخی از ساکنان این منطقه به‌واسطه علایق خویشاوندی به نامزدهای طایفه رستم روی آورده‌اند. بنابراین، می‌توان گفت گرچه شبکه‌سازی طایفه رستم در پیراشکفت بر بنیاد پیوستگی‌های نسبی بوده، ولی به دلایل مذکور نمی‌توان آن را کاملاً ثابت و پایدار دانست. فراز و نشیب در آراء مجید انصاری (نامزد دور نهم و دهم) و سیدجعفر هاشمی (نامزد دور هفتم و دهم) گویای این مسئله است. از نظر ساخت اجتماعی، ابزارهای فرهنگی و زبانی است که این شبکه را تا حدودی سامان یافته کرده‌اند.

خرنگان و رجالو روستاهای دیگری هستند که طایفه رستم موفق به ایجاد شبکه در آن شده است. این سکونتگاه‌های روستایی به لحاظ موقعیت فضایی در آخرین نقطه دهستان جوزار واقع شده‌اند و به واسطه رشته‌کوه‌های مجاور به منطقه بردکوه (سکونتگاه تیره رئیس) و بابامیدان رستم پیوند می‌یابند. اساساً، روستاهای خرنگان و رجالو نیز منتسب به تیره رئیس هستند که با طایفه رستم پیوند خویشاوندی دارند. این مسئله در رأی‌آوری نامزدهای طایفه رستم در این روستاها نقش داشته است. شایان دقت است که صندوق اخذ رأی این دو روستا با روستاهای جوازر بکش، پیرالی، مورمیر و آب‌توت مشترک است. در دور هفتم، سید جعفر هاشمی و قدرت‌الله میرفردی (رستم) به ترتیب ۲۴۳ و ۵۰ رأی در این صندوق کسب کردند. دور هشتم، نوذر بناوی که در اقصی نقاط حوزه انتخابیه ممسنی مورد استقبال توده مردم قرار نگرفته بود، تنها ۱ رأی اخذ کرد. دور نهم، مجید انصاری (رستم) توانست ۱۱۶ رأی کسب نماید. دور

دهم، سه نامزد رستمی یعنی مجید انصاری، سیدجعفر هاشمی و سید یدالله حسینی به ترتیب ۴، ۱۴۲ و ۱۰۷ رأی به دست آوردند. کیفیت آراء نامزدهای طایفه رستم طی ادوار هفتم تا دهم بازگوکننده این است که آنها به واسطه پیوندهای نسبی توانسته‌اند شبکه پایدار و سامان‌یافته‌ای در این دو روستا ایجاد نمایند. با وجود این، اولویت نخست برخی از ساکنان روستا، سیدجعفر هاشمی بوده است تا سایر نامزدهای طایفه رستم که مهم‌ترین دلیل آن پیوند نسبی (از طرف مادر) سیدجعفر هاشمی با این روستا است. وضعیت پایدار آراء سیدجعفر هاشمی در ادوار هفتم و دهم از یکسو و ناپایداری میزان آراء مجید انصاری طی ادوار نهم و دهم گویای این مسئله است. ابزارهای ساخت اجتماعی، هویتی و فرهنگی است.

سرانجام باید به روستای باجگاه (قلعه‌بجی) اشاره کرد که در مجاورت منطقه فهلیان واقع شده است و از آن تحت‌عنوان «بکش دودانگه علیا» یاد می‌شود. این روستا به لحاظ «گجایی» و طبق سازمان سیاسی فضا، قلمرو جاوید (دهستان جاوید ماهوری) است، ولی به لحاظ «کیستی»، متعلق به طایفه بکش است. در رابطه با وضعیت آراء نامزدهای طایفه رستم در روستای باجگاه باید گفت که در دور هفتم، قدرت‌الله میرفردی (رستم)، عبدالرضا مرادی (بکش) و علی احمدی (جاوید) به ترتیب ۲۸۶، ۲۹۴ و ۱۲۵ رأی اخذ کردند. دور هشتم، نوذر بناوی (رستم) در ادامه نگون‌بختی‌های خود عدد صفر را در کارنامه خود در این روستا ثبت کرد. دور نهم، نوذر شفیع‌ی (بکش)، مجید انصاری (رستم) و سعید قاندی (جاوید) به ترتیب ۵۷۵، ۱۴۹ و ۵۹ رأی اخذ کردند. دور دهم، عبدالرضا مرادی (طایفه بکش/تیره عمّله)، مسعود گودرزی (طایفه بکش/تیره بوان)، فریدون زارع‌خفری (طایفه جاوید) و نامزدهای طایفه رستم یعنی سیدیدالله حسینی، سیدجعفر هاشمی و مجید انصاری به ترتیب ۲۲۶، ۱۷۴، ۳۰، ۴۷، ۲۸ و ۱۴ رأی به دست آوردند (Manasani Governorate, 2003-07-11-15). کیفیت آراء در روستای باجگاه بیانگر این است که نامزدهای طایفه رستم بعد از نامزدهای طایفه بکش جایگاه دوم را به خود اختصاص داده‌اند. این مسئله روایت‌گر شبکه پایدار طایفه رستم در روستای باجگاه است که به واسطه مسائل تاریخی یعنی زیست ساکنان باجگاه در قلمرو رستم در دوران حاکمیت خوانین و پیوندهای سببی آنها با یکدیگر خلق شده است. از نظر ساخت اجتماعی نیز می‌توان به تأثیرگذاری مؤلفه‌های فرهنگی و زبانی در این روستا اشاره کرد.

جدول ۹. شبکه اجتماعی، ساخت اجتماعی و پایگاه آراء نامزدها و نمایندگان طایفه رستم در قلمرو طایفه

جاوید

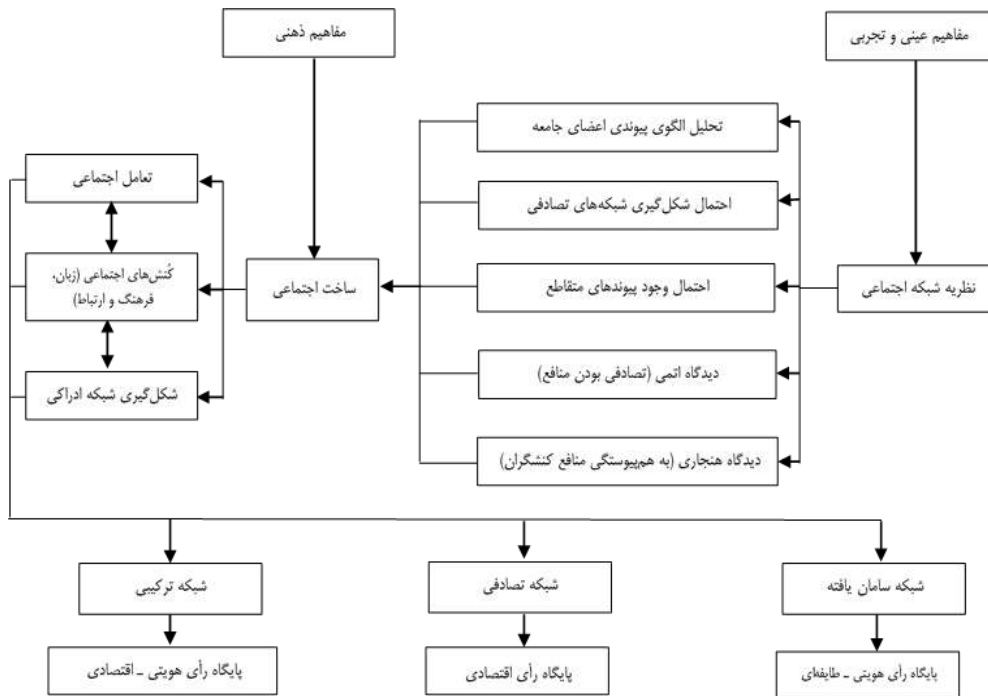
سکوئنگاه	شبکه	ساخت اجتماعی	نامزدها و نمایندگان	ادوار	تعداد آراء
پیرانشکفت	سامان- یافته	زبانی و فرهنگی (هویتی)	مجید انصاری، سید جعفر هاشمی، سید یداله حسینی	دهم	۱۶۲، ۱۶۷، ۱۸۴
خرنگان و رجالو	سامان- یافته	زبانی و فرهنگی (هویتی)	سید جعفر هاشمی، مجید انصار، سید جعفر هاشمی	هفتم، نهم، دهم	۱۴۲، ۱۱۶، ۲۴۳
باجگاه	سامان- یافته	زبانی و فرهنگی (هویتی)	قدرت‌الله میرفردی، مجید انصاری،	هفتم، نهم	۱۴۹، ۲۸۶

Source: Authors

۵-۴- نظریه شبکه اجتماعی، ابزارهای ساخت اجتماعی و شکل‌گیری پایگاه آراء نامزدها و نمایندگان

الگوی شبکه اجتماعی (مفهوم عینی و تجربی) در حوزه انتخابیه ممسنی از کارایی قابل توجهی برخوردار است؛ چراکه ساختار ایلی — عشیره‌ای ممسنی بسترساز این شبکه‌ها است، به نحوی که علی‌رغم یکپارچگی سرزمینی یک طایفه و نگرش ساکنان یک قلمرو نسبت به مسائل اجتماعی و سیاسی، بسیار فعال هستند. از این رو، پایگاه آراء نامزدها و نمایندگان متناسب به طایفه‌ای دیگر را تقویت ساخته‌اند. با توجه به اینکه تأثیرگذاری شبکه بر پایگاه رأی افراد مستلزم وجود مکانیزم خاص یا یک متغیر واسطه‌ای است، الگوی ساخت اجتماعی (مفهوم ذهنی) توانسته است این نقش را در حوزه انتخابیه ممسنی ایفاء کند. بدین معنا که ساخت اجتماعی دربرگیرنده ابزارهای فرهنگی، زبانی و ارتباطی است که در ایجاد یک شبکه ادراکی (انگاره‌ای، معنایی) یا اقتصادی تأثیرگذار بوده است. بر این بنیاد، شبکه‌های سامان یافته و پایدار طایفه X در قلمرو جغرافیایی طایفه A و B بر پایه عناصر فرهنگی و زبانی (پیوندهای هویتی، نسبی و سببی)، پایگاه آراء نمایندگان حوزه انتخابیه ممسنی را استحکام ساخته است، به طوری که در ادوار بعدی انتخابات نیز احتمالاً رفتار و کنش سیاسی خود را حفظ خواهند کرد. از دیگر سو، شبکه‌های تصادفی صرفاً بر بنیاد ابزار ارتباطی شکل گرفته است. یعنی ارتباطات از طریق تعامل اجتماعی ساکنان یک طایفه با برخی از مناطق جغرافیایی طایفه‌ای دیگر یا به واسطه خدمات اقتصادی نمایندگان (عمرانی، کمک‌های مالی و غیره) در ایجاد این نوع شبکه‌ها مؤثر بوده است. از این رو، کاهش تعامل اجتماعی یا تضعیف ارائه خدمات به این شبکه‌ها منجر به تزلزل در پایگاه رأی نمایندگان در ادوار بعدی انتخابات خواهد شد. سرانجام، شبکه‌های

ترکیبی به معنای پیوند ابزارهای فرهنگی، زبانی و ارتباطی است که پایگاه آراء نمایندگان را تقویت ساخته است. این نوع شبکه نیز به دلیل نهادینگی لازم در میان ساکنان یک منطقه (روستا یا محله)، در ادوار بعدی انتخابات همچنان به حمایت خود از نامزد دیگر طوایف ادامه خواهند داد.



مدل مفهومی ۳. شبکه اجتماعی، ساخت اجتماعی و پایگاه رأی نامزدها و نمایندگان (Source: Authors)

۵-۵- آینده پژوهی شبکه اجتماعی، ساخت اجتماعی و پایگاه رأی نامزدها و نمایندگان

به نظر می رسد نوع ساخت اجتماعی (فرهنگی، زبانی و ارتباطی) تأثیر مهمی در آینده شبکه های هر طایفه خواهد داشت. بدین معنا که وجود ابزارهایی نظیر زبان و فرهنگ، پایگاه آراء نامزدها و نمایندگان را در ادوار بعد انتخابات تقویت خواهد کرد، لکن ابزارهای ارتباطی (تعامل اجتماعی، خدمات اقتصادی، عمرانی و آراء لجبازی) به دلیل شرایط حاکم بر هر دوره از انتخابات (احتمال رد صلاحیت نامزدها، کاهش خدمات اقتصادی، میزان قدرت و نفوذ نامزدها، تکرر نامزدها در قلمرو یک طایفه)، پشتوانه محکمی برای نامزدها و نمایندگان نخواهد بود.

آینده‌پژوهی شبکه‌های طایفه بکش در قلمرو طایفه جاوید حاکی از این است که روستای جُوزار بکش به دلیل پیوندهای هویتی و نسبی با طایفه بکش همچنان نامزدهای متناسب به این طایفه را بر دیگران ترجیح خواهند داد؛ هرچند نبود نامزدهای قدرتمند و فرهمند در قلمرو بکش ممکن است آرای ساکنان این سکونتگاه را به سمت نامزدهای طایفه جاوید سوق دهد. رأی‌دهندگان منطقه پیراشکفت نیز بیشتر بر بنیاد عرق تباری به گزینش نامزد خواهند پرداخت تا مؤلفه اقتصادی. انتخاب اقتصادی آنها از میان نامزدهای طایفه بکش نیز زمانی خواهد بود که نامزد تأمین‌کننده منافع آنان (نظیر عبدالرضا مرادی) در ماراتن انتخابات حضور داشته باشد. پایگاه آراء نوذر شفیع (طایفه بکش) و عبدالرضا مرادی (طایفه بکش) در پیراشکفت و رویکرد رأی‌دهندگان این منطقه به آنها در ادوار نهم و دهم به خوبی گویای این مسئله است. از این رو، شبکه‌سازی و فضا‌سازی بکشی‌ها در فضای جغرافیایی پیراشکفت (به استثنای روستاهای غرب این منطقه) بر پایه شخصیت عمل‌گرای عبدالرضا مرادی ساخته شده است و به همین دلیل نمی‌توان از سامان‌یافتگی خاصی طی ادوار بعدی سخن به میان آورد. در قلمرو رستم نیز منطقه پشت‌کوه رستم به دلیل پیوند عشیره‌ای با طایفه خود ابتدا به دنبال حمایت از نامزدهایی هستند که با آنها احساس هم‌زادپنداری می‌کنند. با وجود این، در صورت عدم وجود نامزدی قدرتمند در قلمرو طایفه خود (نظیر دور هشتم)، به دلیل فقر و محرومیت اقتصادی به کمک‌کاندیدایی خواهند پرداخت که در دور نمایندگی‌شان (همانند عبدالرضا مرادی) به آنها کمک‌های مالی و عمرانی کرده‌اند.

در رابطه با شبکه‌های تیره بوان (متعلق به طایفه بکش) در طایفه جاوید باید گفت شرایط سیاسی حاکم بر دهمین دوره انتخابات یعنی عدم وجود نامزدی متفرد از سوی طایفه جاوید در کارزار انتخابات در مرحله اول و رقابت سهمگین آنها با طایفه خود (بکش) و همچنین پشتیبانی شخصیت‌های فرهمند طایفه جاوید از نامزد مُتَسَبِّب به تیره بوان در مرحله دوم منجر به پیروزی سازه فضایی بوان شد^۱. این مسئله که حکایت از تصادفی بودن آراء نامزد تیره بوان (مسعود گودرزی) در قلمرو طایفه جاوید دارد، میزان تزلزل در پایگاه آراء نامزدهای وابسته به بوان را در ادوار بعدی انتخابات افزایش خواهد داد. وضعیت آراء روستاهای کلگاه شیراز (شخصیت فرهمند نظیر محمد رنجبر) و گوسنگان گویای این امر است. رفتار انتخاباتی تنگ‌خاص نیز بیانگر این است که بنیادی‌ترین کارگزار (عامل) در گزینش نامزدها، وابستگی ایلی — عشیره‌ای آنها

۱. این اولین بار در طی تاریخ انتخابات است که فردی از تیره چابک و فرز بوان قدم به صحن پارلمان می‌گذارد؛ رویدادی که دستاوردی بزرگ برای آنها محسوب می‌شود.

خواهد بود و طی ادوار بعدی انتخابات، حمایت از نامزد مُتسبب به طایفه خود را در اولویت قرار خواهد گرفت تا پشتیبانی از تیره بَوان. هواداری آنها از نامزد نه‌چندان فرهمند خود (فریدون زارع‌خفری) مرحله اول دور دهم تأییدکننده این ادعا است. بر این پایه، حتی اگر «شمشیر داموکلِس» نیز بر فراز تنگه خاص برافراشته شود، آنها نامزدهای تضعیف‌شده هم‌زادگاهی و هم‌طایفه‌ای خود را بر «دیگری قدرتمند و کارآمدتر» ترجیح خواهند داد. از این‌رو، تنگه خاص را می‌توان نماد «ژئوپلیتیک مقاومت» در قَهقرای قلمرو جاوید نامید. نهایتاً، روستای پُل‌مورد نامزدهای هم‌تباری خود را نسبت به سایر نامزدها ترجیح خواهند داد؛ چراکه در مرحله اول دهمین دوره انتخابات به حمایت از نامزد وابسته به طایفه خود (محمد محمودی) پرداختند و در مرحله دوم به نامزد تیره بَوان (مسعود گودرزی) گرایش پیدا کردند. از این‌رو، صرفاً خدمات عمرانی (نظیر به بهره‌برداری رسانیدن مسیر آب‌پخششان — پُل‌مورد — دالین — شیراز) در این روستا می‌تواند شبکه‌سازی تیره بَوان را حفظ نماید.

سرانجام، رفتار انتخاباتی ساکنان پُشت‌کوه رستم و زیردو بیانگر این است که عناصر فرهنگی و زبانی در انتخاب نامزدها بسیار مؤثر است. با توجه به کُش سیاسی ساکنان این منطقه طی ادوار گذشته انتخابات باید اشاره کرد که در صورت شکل‌گیری فضای دوقطبی میان نامزد وابسته به تیره بَوان و طایفه رستم در ادوار بعدی انتخابات، مؤلفه هویت و وابستگی عشیره‌ای در گزینش آنها از وزن بیشتری برخوردار خواهند بود و تیره بَوان پایگاه رأی خود را از دست خواهد داد. آینده‌پژوهی شبکه‌های اجتماعی طایفه جاوید در قلمرو طایفه بکش حکایت از این دارد که در محله‌ها و فضاهای جغرافیایی نظیر دُوراهی و تُل‌کوشک، انسان‌های وابسته به طایفه جاوید از جمعیت قابل ملاحظه‌ای برخوردارند. از این‌رو، طی ادوار آینده نیز به‌عنوان پایگاه آراء نامزدهای طایفه جاوید باقی خواهند ماند. رفتار سیاسی محله قلعه‌کهنه نیز حاکی از این است که آراء نامزدهای وابسته به تمامی طوایف با فراز و نشیب همراه خواهد بود و نمی‌توان یک نامزد را به صورت قطعی در این محله پیروز دانست. بنابراین، موفقیت نامزد وابسته به طایفه جاوید به‌سختی امکان‌پذیر خواهد بود. در محله مُوردآبی و جهاد نیز نامزدهای جاویدی طی ادوار گذشته، آراء پُروزی داشته‌اند که در آینده نیز احتمال تکرار این رویه وجود خواهد داشت. با وجود این، تسلط ساکنان طایفه جاوید و پایگاه آراء نامزدهای آنها بیشتر در شعبه مُستقر در حُسینیه سلیمان و مسجد مُوردآبی خواهد بود تا شعبه مدرسه ابتدایی شهید نظری که طی ادوار گذشته انتخابات تحت کنترل طایفه بکش بوده است. نهایتاً در محله‌های جابه و بَرَمک، تیره غُوری (متسبب به طایفه جاوید) توانسته است جمعیت خود و پایگاه رأی

نامزدهای طایفه جاوید را افزایش دهد. به همین دلیل آنها قادر به برقراری توازن آراء با نامزدهای طایفه بکش خواهند بود. در رابطه با شبکه اجتماعی نامزدهای طایفه جاوید در قلمرو طایفه رستم نیز باید گفت که آنها نتوانسته‌اند شبکه‌های پایداری ایجاد کنند. به همین دلیل ساکنان طایفه رستم نامزدهای هم‌ذات خود را در اولویت قرار خواهند داد و تنها در شرایطی نظیر دور هشتم — که نامزد کارآمدی در نبرد انتخابات نداشتند — به نامزدهای طایفه جاوید تمایل پیدا خواهند کرد. سرانجام، آینده‌پژوهی شبکه‌های اجتماعی طایفه رستم در قلمرو طایفه بکش بیانگر این است که ساکنان این طایفه توانسته‌اند میزان سکونتگاه‌های مسکونی خود در محله‌های موردآبی، استادیوم و تُل نورآباد را افزایش دهند و بر میزان آراء نامزدهای متسبب به خود بیفزایند. از این رو، شبکه پایدار طایفه رستم در این محله‌ها استمرار خواهد یافت. آینده‌پژوهی شبکه‌های اجتماعی طایفه رستم در قلمرو طایفه جاوید نیز بیانگر این است که برخی از ساکنان منطقه پیراشکفت در صورت عدم حضور نامزدی قدرتمند از سوی طایفه جاوید در مبارزات انتخابات، بر پایه پیوندهای هویتی به طایفه رستم گرایش پیدا خواهند کرد. در غیراین صورت، آراء نامزدهای طایفه رستم در این منطقه تضعیف خواهد شد. روستاهای خرنگان و رجالو نیز به دلیل پیوندهای هویتی و عشیره‌ای با طایفه رستم احتمالاً از نامزدهای این طایفه پشتیبانی خواهند کرد. نهایتاً رفتار انتخاباتی ساکنان باجگاه (قلعه‌بجی) بیانگر این است که به‌رغم قرار گرفتن این روستا در قلمرو جغرافیایی طایفه جاوید، آنها به‌دلیل پیوندهای هویتی (بکش دودانگه) و پیوند تاریخی با طایفه رستم اولویت نخست خود را نامزدهای طایفه بکش و سپس طایفه رستم قرار خواهند داد. با وجود این باید به این گزاره مهم اشاره کرد که فقدان نامزدهای پرشوکت در طایفه بکش می‌تواند معادلات آراء را تغییر دهد و بخشی از آرای این سکونتگاه را به سمت کاندیدای طایفه جاوید جهت دهد.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

بر بنیاد یافته‌های پژوهش، باسکول طایفه و پیوندهای گوه‌ری و دودمانی با توجه به ساخت طایفه‌ای حاکم بر حوزه انتخابیه ممسنی در درجه نخست بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری پایگاه رأی نامزدها و نمایندگان حوزه انتخابیه ممسنی داشته است؛ به‌طوری که همه نمایندگان با تمرکز رأی خود در طایفه و

زادگاه جغرافیایی خود مُتکی و پُشت‌گرم بوده‌اند.^۱ با وجود این، نامزدها و نمایندگان هر طایفه توانسته‌اند شبکه‌های اجتماعی را به واسطه ابزارهای ساخت اجتماعی (فرهنگی، زبانی، ارتباطی) در قلمرو یکدیگر خلق کنند. این شبکه‌ها با توجه به نوع ساخت اجتماعی، در اَشکال «سامان‌یافته»، «تصادفی» و «ترکیبی» (پیوندی) آشکار و تقسیم‌بندی شده‌اند. از این‌رو، شبکه‌های سامان‌یافته در قلمرو یک طایفه در ادوار مختلف انتخابات بر بنیاد عوامل هویتی، مکانی، فرهنگی و زبانی به نمایندگان طایفه‌ای دیگر متمایل شده‌اند و پایگاه آراءشان را تقویت ساخته‌اند. از سوی دیگر، شبکه‌های تصادفی بر پایه ابزار ارتباطی (تعامل اجتماعی، خدمات اقتصادی، پروژه‌های عمرانی، کمک‌های مالی، آراء لجبازی و غیره)، در برخی از ادوار به حمایت از نامزد و نماینده مُتسب به طایفه‌ای دیگر پرداخته‌اند. به همین دلیل احتمال گُست این شبکه‌ها از طایفه‌ای دیگر و همراهی با طایفه خود بسیار زیاد است. افزون بر این، برخی از شبکه‌ها به‌صورت ترکیبی (هویتی — منفعتی) خلق شده‌اند و پُشتوانه نیرومندی برای نمایندگان بوده‌اند. یافته‌های تحقیق همچنین گویای این است که نامزدها و نمایندگان سه طایفه بکش، رستم و جاوید توانسته‌اند در قلمرو یکدیگر عمق و شبکه‌هایی ایجاد نمایند. همچنین تیره بوان ضمن شکاف سیاسی با طایفه خود (بکش) در دور نهم موفق به ایفاء نقش در دهمین دوره انتخابات شد و به‌عنوان یک قدرت نوظهور توانست نامزد خود را روانهٔ پارلمان کند. شایان ذکر است که شبکه‌های سامان‌یافته بیشتر معطوف به ساخت اجتماعی فرهنگی — زبانی و شبکه‌های تصادفی مربوط به ساخت اجتماعی ارتباطی بوده‌اند. بر این بنیاد، شبکه‌های اجتماعی نامزدها و نمایندگان طایفهٔ بکش در قلمرو طایفه جاوید شامل روستای جوزار بکش و منطقه پیراشکفت بوده است که به ترتیب بیانگر شبکه‌های سامان‌یافته و تصادفی هستند. همچنین نماینده این طایفه (عبدالرضا مرادی) توانسته است در منطقه پُشت‌کوه رستم، شبکه‌ای تصادفی ایجاد نماید. در رابطه با تیره بوان، نتایج همین پژوهش، تکرر شبکه‌سازی توسط این تیره را نشان می‌دهد. در این چارچوب، نماینده تیره بوان توانسته است شبکه‌هایی تصادفی در روستاهای کلگاه شیراز، گوسنگان، تنگه خاص، پُل‌مورد، پُشت‌کوه رستم، زِردو ایجاد نماید. در زمینه شبکه‌های اجتماعی نامزدها و نمایندگان طایفه جاوید در قلمرو طایفه بکش می‌توان به محله‌هایی نظیر دُوراهی، تُل‌کوشک، مُردآبی، جهاد، جابه و بَرَمک اشاره کرد

۱. این نوع الگوی رأی‌دهی که بازتاب فضایی آن در قالب تجمع و تمرکز آراء در قلمرو زیستی و هویتی نامزدها هویدا است از جمله کهن‌ترین و استوارترین نوع الگوی رأی‌دهی در حوزه انتخاباتیه ممسنی به شمار می‌رود (Sadeghi, 2014: 17).

که در زمره شبکه‌های ترکیبی قرار گرفته‌اند. یعنی نوع ساخت اجتماعی‌شان برانگیخته از عوامل هویتی و منفعتی است. همچنین محله قلعه‌کهنه در چارچوب شبکه تصادفی طایفه جاوید قرار دارد. همچنین محققان در جریان پژوهش خود دریافته‌اند که سامان جاوید نتوانسته است شبکه قدرتمندی در قلمرو رستم خلق نماید و صرفاً علی احمدی (طایفه جاوید) در دور هشتم در برخی از مناطق این طایفه شبکه تصادفی ایجاد کرده است. سرانجام، شبکه‌سازی نامزدها و نمایندگان طایفه رستم بیانگر این است که آنها در برخی از محله‌های طایفه بکش نظیر استادیوم و تل نورآباد توانسته‌اند شبکه‌هایی سامان‌یافته و در محله موردآبی، شبکه ترکیبی ایجاد نمایند. از سوی دیگر، نامزدها و نمایندگان این طایفه توانسته‌اند شبکه‌های سامان‌یافته خود را در روستاهای طایفه جاوید نظیر خرنگان، رجالو، باجگاه (قلعه‌بجی) و پیراشکفت انبساط دهند. در مجموع، شبکه‌های اجتماعی و ابزارهای ساخت اجتماعی نقش بسزایی در شکل‌گیری پایگاه رأی نامزدها و نمایندگان حوزه انتخابیه ممسنی ایفاء کرده‌اند. برآیند مطالعات صورت گرفته نشان داد که پایگاه رأی نامزدها و نمایندگان طوایف بکش، جاوید، رستم و تیره بوان طی ادوار هفتم تا دهم در درجه نخست، متأثر از عوامل محیطی و هویتی نظیر هویت جغرافیایی و طایفه‌ای بوده است و در مرتبه بعد سازه‌هایی همچون شبکه‌های اجتماعی تصادفی، سامان‌یافته و ترکیبی که به وسیله ابزارهای ساخت اجتماعی (فرهنگی، زبانی و ارتباطی) شکل گرفته‌اند، پایگاه رأی نمایندگان را تقویت و جهت داده است.

کتابنامه

1. Abbasi, E., Pourjan, B., & Mandegar, A. (2015). A comparative study about communicative situation of the north Middle East with central Asia in comparison with other areas of the Middle East. *Central Eurasia Studies*, 8(2), 289-309.
2. Banihashmi, M. G. (2015). Elections and political stability in Islamic Republic of Iran. *Strategic Studies*, 18(3), 139-170.
3. Bashiriyeh, H. (2003). Training political knowledge (Basics of theoretical and fundamental politics). Tehran, Iran: Negah Moaser.
4. Davarpanah, H. (2006). English for the Students of political Science. Tehran, Iran :SAMT.
5. Estes, T. (2006, January). Where the votes are: The electoral geography of the coming democratic majority. In *The Forum*, 3(4). Retrieved from [http:// www.beperss.com](http://www.beperss.com)
6. Fakhraie, S. (1994). Theory of network and its relationship with structuralism in sociology. *Journal of Persian Language and Literature*, 37(153&154), 139-154.
7. Ghasemi, F. (2012). A step toward providing a new theory of regional balance of power. *International Quarterly of Geopolitics*, 8(1), 172-213.

8. Hafeznia, M., & Kavianirad, M. (2009). *New horizons in political geography*. Tehran, Iran: SAMT.
9. Hafeznia, M., & Kavianirad, M. (2014). *The philosophy of political geography*. Tehran, Iran: Research Institute of Strategic Studies Press.
10. Heywood, A. (2016). *politics* (A. Alem, Trans.). Tehran, Iran: Ney.
11. Hosseini Ghomi, M. (2016). Investigation of social structure changes (relational structure): Sociological study network links in Tehran Market. *Applied Sociology*, 27(64), 153-170.
12. Iran Statistics Center. (2016). *General census of population and housing (1395)*. Retrieved from <https://www.amar.org.ir>
13. Jones, M., Jones, R., Woods, M., Whitehead, M., Dixon, D., & Hannah, M. (2007). *An introduction to political geography*. (Z. Pishgahifard & R. Akbari, Trans.). Tehran, Iran: Research Institute of Strategic Studies Press
14. Kaviani Rad, M. (2013). *Geography of elections with an emphasis on presidential elections*. Tehran, Iran: Kharazmi.
15. Kaviani Rad, M. (2014). Spatial distribution of public presence in the eleventh presidential election. *Strategic Studies*, 17(1), 37-62.
16. Kaviani Rad, M., & Gharehbeigi, M. (2017). *Geography of elections: Basics, concepts and approaches*. Tehran, Iran: Research Institute of Strategic Studies.
17. Lopez, K., & Scott, J. (2006). *Social construction* (H. Ghazian, Trans.). Tehran, Iran: Ney.
18. Mirahmadi, F. S., & Kaviani Rad, M. (2017). Explanation of Dominant Approaches in Electoral Geography. *Political Spatial Planning*, 1(2), 105-116.
19. Moosavi, Y. (2008). The concept of social construct in new sociological investigations. *Social Sciences*, 11, 88-91.
20. Patti, Charles (2006). *Electoral Geography for: Encyclopedia of Human geography*, p2.
21. Roumina, E., & Sadeghi, V. (2015). Investigation of the effect of tribalism on voting pattern (Case Study: Nourabad Mamasani Township). *International Quarterly of Geopolitics*, 11(3), 84-116.
22. Sadeghi, V. (2014). [Investigating the effect of tribalism on voting pattern (Case Study: Nourabad Mamasani Township)]. (Unpublished master's thesis). Tarbiat Modarres University, Tehran, Iran.
23. Zarghani, S. H., & Razavinezad, S. M. (2013). The Analysis of ethnicity in the voting patterns of candidates in the tenth presidential elections. *Journal of Spatial Planning*, 17(3), 109-126
24. Zarghani, S. H., & Razavinezad, S. M. (2016). Investigation of the spatial distribution of voting patterns in the 11th Iranian presidential election. *International Quarterly of Geopolitics*, 12(42), 73-104.